

پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۶ بهمن ماه ۱۴۰۲

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)
۰۲۱-۶۴۶۳

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

ایران بهشتی
توشه ای برای موفقیت

پدید آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، محمدابراهیم توننده جانی، آروین حسینی، محمد حمیدی، احمدرضا ذاکرزاده، سعید عزیزخانی، علی قهرمانزاده، فرشید کریمی، امیر محمودیان
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، سعید جعفری، محمدامین داداش فام، سید علیرضا علویان، مجتبی فرهادی، یاسین مهدیان، شیوا نظری، هومن نمازی
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، مهرشاد ایمانی‌نسب، آریتا بیدقی، کوثر شاه‌حسینی، فاطمه صفری، حبیبه محبی، سید محمد مدنی دینانی
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، محمد حبیبی، مهسا عفتی
عربی زبان قرآن	محمود بادبرین، ولی برجی، عمار تاجبخش، ابوالفضل تاجیک، علی رسولی، امیرحسین شکوری، مرتضی کاظم‌شیرودی، روح‌الله گلشن، سیده محیا مؤمنی، علی محسن‌زاده، سید محمدعلی مرتضوی، الهه مسیح‌خواه، خالد مشیرپناهی، پیروز وجان
تاریخ و جغرافیا	میلاذ باغ‌شیخی، صفا حاضری، زهرا دامیار، فاطمه سخایی، امیرحسین کاروین، محمد ملک‌آبادی‌زاده، جواد میربلوکی، رؤیا نیلچی، میلاذ هوشیار
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، محمد آقاصالح، علیرضا تقی‌پور، سبا جعفرزاده صابری، پرگل رحیمی، محمد رضایی بقا، موسی سپاهی، حمید سودیان، فیروز نژادنجف، علیرضا نصیری
اقتصاد	مبین خزینی، آفرین ساجدی، سارا شریفی، مهدی ضیائی، مهدی کاردان

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	ویراستار رتبه برتر گنگور	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمدابراهیم توننده جانی	محمد بحیرایی	مهدی ملارمضائی، محمد حمیدی، آروین حسینی	—	الهه شهبازی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان	سپیده فتح‌اللهی	فریبا رنوفی
جامعه‌شناسی	کوثر شاه‌حسینی	کوثر شاه‌حسینی	فاطمه صفری	آرش مرتضائی‌فر	سجاد حقیقی‌پور
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	فرهاد علی‌نژاد	محمد صمدی زاداسفندرکه	محمدصدرا پنجه‌پور
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	—	لیلا ایزدی
تاریخ و جغرافیا	زهرا دامیار	زهرا دامیار	—	فاطمه عزیزی	عطیه محلوچی
فلسفه و منطق	سبا جعفرزاده صابری	علیرضا نصیری	فرهاد علی‌نژاد	مهرشاد عباسی، محمدعلی یوسفی	سوگند بیگلری
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	مرتضی عزیزی	—	سجاد حقیقی‌پور

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: زهره قموشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

ریاضی و آمار (۳)

گزینه ۴»

(سعید عزیزقانی)
رابطه بازگشتی دنباله حسابی به صورت $a_{n+1} = a_n + d$ است، بنابراین $d = 3$ است.
از طرفی داریم:

$$a_{17} = 50 \Rightarrow a_1 + 16d = 50 \xrightarrow{d=3} a_1 + 48 = 50 \Rightarrow a_1 = 2$$

با داشتن $d = 3$ و $a_1 = 2$ داریم:

$$a_{10} = a_1 + 9d = 2 + 9(3) = 29$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

گزینه ۲»

(امیر محمودیان)
با فرض $a_1 = a$ داریم:

$$a_{n+2} = ma_{n+1} - \frac{1}{p}a_{n-1} \Rightarrow a_{n+2} + \frac{1}{p}a_{n-1} = ma_{n+1}$$

حتمه عمومی دنباله
حسابی

$$a + (n+1)d + \frac{1}{p}(a + (n-2)d) = ma_{n+1}$$

$$\Rightarrow a + nd + d + \frac{1}{p}(a + nd - 2d) = ma_{n+1}$$

$$\Rightarrow a + nd + d + \frac{1}{p}a + \frac{1}{p}nd - d = ma_{n+1}$$

$$\Rightarrow \frac{3}{p}a + \frac{3}{p}nd = ma_{n+1}$$

$$\Rightarrow \frac{3}{p}(a + nd) = m(a + nd)$$

$$\xrightarrow{\text{دنباله غیر ثابت است}} \frac{3}{p} = m$$

در این دنباله حسابی اختلاف مشترک برابر $\frac{3}{p} = \frac{9}{p} = 3m = 3 \times \frac{3}{p} = \frac{9}{p}$ و جمله دهم $7m + 5$ برابر است با:

$$a_{10} = 7m + 5 = 7 \times \frac{3}{p} + 5 = \frac{21}{p} + 5 = \frac{31}{p}$$

$$a_{10} = a + 9d \Rightarrow \frac{31}{p} = a + 9 \times \frac{9}{p} \Rightarrow a = \frac{31}{p} - \frac{81}{p} = -\frac{50}{p} = -25$$

$$a_n = a + (n-1)d \Rightarrow a_n = -25 + (n-1) \times \frac{9}{p} = \frac{9}{p}n - \frac{59}{p}$$

برای آن که تعداد جملات منفی را به دست آوریم، $a_n < 0$ قرار داده و حدود n را می‌یابیم:

$$a_n < 0 \Rightarrow \frac{9}{p}n - \frac{59}{p} < 0 \xrightarrow{\times p} 9n - 59 < 0 \Rightarrow 9n < 59 \Rightarrow n < \frac{59}{9}$$

یعنی ۶ جمله اول این دنباله منفی است.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

گزینه ۲»

(فرشید کریمی)
با داشتن دو جمله از دنباله حسابی اختلاف مشترک از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$\left. \begin{aligned} a_1 &= -3 \\ a_4 &= 9 \end{aligned} \right\}$$

$$d = \frac{a_m - a_n}{m - n} = \frac{9 - (-3)}{4 - 1} = \frac{12}{3} = 4$$

حالا با داشتن اختلاف مشترک، جمله اول و جمله n ام، مقدار n را از رابطه زیر به دست می‌آوریم.

$$n = \frac{a_n - a_1}{d} + 1 = \frac{144 - (-3)}{4} + 1 \Rightarrow \frac{147}{4} + 1$$

$$= 36 + 1 = 37$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

گزینه ۳»

(علی قهرمان‌زاده)
چون دنباله حسابی، یک دنباله درجه اول است، پس:

$$\frac{m-3}{5} = 0 \Rightarrow m = 3$$

$$a_n = 2(3)n - 8 \Rightarrow a_n = 6n - 8$$

برای پیدا کردن شماره جمله‌ای که برابر ۵۲ شده است، باید جمله عمومی را مساوی ۵۲ قرار دهیم، پس داریم:

$$6n - 8 = 52$$

$$\Rightarrow 6n = 60 \Rightarrow n = 10$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

گزینه ۵»

(امیررضا ذاکر زاده)
ابتدا جمله عمومی دنباله را به دست می‌آوریم.

$$\left\{ \begin{aligned} a_4 &= 7 \\ a_1 &= -2 \end{aligned} \right. \Rightarrow a_4 - a_1 = 3d \Rightarrow 7 - (-2) = 3d \Rightarrow d = 3$$

$$\Rightarrow a = 1, b = 4$$

$$a_n = a_1 + (n-1)d \Rightarrow -2 + 3(n-1) = 3n - 5$$

$$a_n < 100 \Rightarrow 3n - 5 < 100 \Rightarrow 3n < 105 \Rightarrow n < 35$$

پس به ازای هر عدد طبیعی کوچک‌تر از ۳۵، a_n کمتر از ۱۰۰ است. پس ۳۴ عدد طبیعی وجود دارد.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای قطعی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

گزینه ۴»

(علی قهرمان‌زاده)
در یک دنباله حسابی اگر c و b و a سه جمله متوالی باشند، داریم $2b = a + c$.

$$2(1 - \sqrt{2}k) = \sqrt{2}k + 1 + \frac{3\sqrt{2}}{2}k$$



(امیر ممبریان)

۱۰- گزینه «۴»

...۱,۵,۹,۱۳,۱۷,۲۱,۲۵,۲۹,۳۳,۳۷,۴۱,۴۵,...

تعداد کل جملات دنباله را به دست می آوریم: ۹ جمله دنباله بزرگتر از ۸ و کوچکتر از ۴۵ هستند. پس تعداد کل جملات دنباله برابر است با:

$$n + 4 + 2n - 2 - 9 = 3n - 7$$

(دقت کنید: چون ۹ جمله دوبرار شمرده شده بودند، از مجموع $n + 4$ و $2n - 2$ ، ۹ جمله کم کردیم.)

$$3n - 7 = 50 \Rightarrow 3n = 57 \Rightarrow n = 19$$

یعنی ۲۳ جمله کوچکتر از ۴۵ است و ۴۵ جمله ۲۴ ام است.

$$a_{24} = 45 \Rightarrow a_1 + 23d = 45 \Rightarrow a_1 + 23 \times 4 = 45$$

$$\Rightarrow a_1 + 92 = 45 \Rightarrow a_1 = -47$$

$$a_{50} = a_1 + 49d \Rightarrow a_{50} = -47 + 49 \times 4 = -47 + 196 = 149$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فنی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

ریاضی و آمار (۳) - اختیاری

(ممبر بهیرایی)

۱۱- گزینه «۱»

$$a_5 + a_7 = 40 \Rightarrow a_1 + 4d + a_1 + 6d = 40$$

$$\Rightarrow 2a_1 + 10d = 40 \Rightarrow a_1 + 5d = 20 \quad (I)$$

$$a_{13} - a_{11} = 2d = 6$$

$$\Rightarrow d = 3$$

$$\frac{(I)}{d=3} \Rightarrow a_1 + 5 \times 3 = 20 \Rightarrow a_1 = 5$$

$$a_n = a_1 + (n-1)d = 5 + (n-1) \times 3$$

$$\Rightarrow a_n = 3n + 2$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فنی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

(ابوالفضل بهاری)

۱۲- گزینه «۲»

$$\text{حسابی} \Rightarrow a_n = a_1 + (n-1)d$$

$$\Rightarrow a_1 + (n-1)d = 28$$

$$4 + (n-1) \times 4 = 28 \Rightarrow n = 7$$

پس ۲۸ هفتمین جمله از این دنباله در حالت اولیه است. پس:

$$4, 8, 12, 16, 20, 24, 28$$

حال، برای آنکه اختلاف مشترک این دنباله به ۸ تبدیل شود، باید ۳ جمله حذف گردد. زیرا:

$$4 + (n-1) \times 8 = 28 \Rightarrow n-1 = 3 \Rightarrow n = 4$$

پس تعداد جملات از ۷ به ۴ رسید یعنی ۳ جمله حذف می شود تا اختلاف مشترک از ۴ به ۸ برسد. یعنی:

$$4, 12, 20, 28$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فنی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

$$2 - 2\sqrt{2k} = \sqrt{2k} + 1 + \frac{3\sqrt{2}}{2}k$$

$$\frac{\times 2}{\rightarrow} 4 - 4\sqrt{2k} = 2\sqrt{2k} + 2 + 3\sqrt{2}k$$

$$4 - 4\sqrt{2k} = 5\sqrt{2k} + 2$$

$$2 = 9\sqrt{2k} \Rightarrow k = \frac{2}{9\sqrt{2}}$$

$$\sqrt{2} \left(\frac{2}{9\sqrt{2}} \right) + 1, 1 - \sqrt{2} \left(\frac{2}{9\sqrt{2}} \right), \frac{3\sqrt{2} \left(\frac{2}{9\sqrt{2}} \right)}{2}$$

$$\frac{11}{9}, \frac{1}{9}, \frac{1}{9} \Rightarrow d = \frac{7}{9} - \frac{11}{9} = \frac{-4}{9}$$

$$\frac{k^2}{d} = \frac{\left(\frac{2}{9\sqrt{2}} \right)^2}{\frac{-4}{9}} = \frac{4}{81 \times 2} = \frac{2}{81} = \frac{9 \times 2}{-4 \times 81} = \frac{1}{18}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فنی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

۷- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

در دنباله حسابی داریم:

$$a_n = a_1 + (n-1)d$$

$$a_6 = \frac{1}{3}a_1 \rightarrow a_1 = 3a_6$$

$$\Rightarrow a_1 + 9d = 3(a_1 + 5d) \Rightarrow a_1 + 9d = 3a_1 + 15d$$

$$\Rightarrow 2a_1 + 6d = 0 \Rightarrow 2(a_1 + 3d) = 0 \Rightarrow a_1 + 3d = 0 \Rightarrow a_6 = 0$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

۸- گزینه «۲»

(ممبر بهیرایی)

قیمت دوچرخه را پس از ۶ ماه اول به دست می آوریم و برابر a_1 قرار می دهیم.

$$a_1 = 5,000,000 - 200,000 = 4,800,000$$

اختلاف مشترک دنباله حسابی مرتبط با مسئله $d = -200,000$ است و پس از ۳ سال، ۶ تا ۶ ماه گذشته که مبلغ پس از ۶ ماه اول را a_1 فرض کرده ایم. پس جمله a_6 مورد نظر مسئله است.

$$a_6 = a_1 + 5d = 4,800,000 + 5 \times (-200,000)$$

$$= 4,800,000 - 1,000,000 = 3,800,000$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فنی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

۹- گزینه «۴»

(ممبر ممیری)

$$a_1 = 250 - 15 = 235$$

$$a_n = 130 \Rightarrow 235 + (n-1)(-15) = 130$$

$$\Rightarrow 235 - 15n + 15 = 130 \Rightarrow -15n = 130 - 250$$

$$\Rightarrow -15n = -120 \Rightarrow n = 8$$

۸ ساعت پس از مصرف دارو سطح آسپرین در بدن ۱۳۰ میلی گرم می شود.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فنی، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۸)

۱۳- گزینه «۲»

(ممر ممبری)

$$a_n = 8n - 1 \Rightarrow a_1 = 8 \times (1) - 1 = 7$$

$$a_2 = 8 \times (2) - 1 = 15$$

$$d = a_2 - a_1 = 8$$

$$S_n = \frac{n}{2}(2 \times 7 + (n-1) \times 8) = \frac{n}{2}(6 + 8n)$$

$$\Rightarrow S_n = 3n + 4n^2 = \frac{kn^2 + hn}{2}$$

$$\Rightarrow k = 4, h = 3$$

$$\Rightarrow h + k = 3 + 4 = 7$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فنی، صفحه‌های ۶۱ تا ۷۲)

۱۴- گزینه «۴»

(ممر ابراهیم توزندهانی)

$$S_1 = a_1 = 2(1)^2 + 1 = 3$$

$$S_2 = a_1 + a_2 = 2(2)^2 + 2 = 10$$

$$a_2 = 10 - 3 = 7$$

$$\Rightarrow d = 7 - 3 = 4$$

مجموع $a_1 + a_2 + a_3 + \dots + a_{12}$ در واقع مجموع ۲۸ جمله با جمله اول ۳ و اختلاف مشترک $d = 4 = 12 \times 4 = 48$ است.

$$S_n = \frac{n}{2}[2a_1 + (n-1)d] = \frac{28}{2}[2(3) + 27(4)] = 4620$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فنی، صفحه‌های ۶۱ تا ۷۲)

۱۵- گزینه «۳»

(ممر ابراهیم توزندهانی)

می‌دانیم $a_n = a_1 + (n-1)d$ از طرفی طبق قانون اندیس‌ها می‌دانیم

$$a_m + a_n = a_c + a_k \text{ اگر } m+n = c+k$$

$$a_7 + a_{15} = a_{11} + a_{11} \Rightarrow a_7 + a_{11} + a_{15} = 3a_{11} = 66$$

$$\Rightarrow a_{11} = 22$$

$$S_{21} = \frac{21}{2}[2a_1 + 20d] = \frac{21}{2}[2(a_1 + 10d)] = (21 \times 22) = 462$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای فنی، صفحه‌های ۶۱ تا ۷۲)

ریاضی و آمار (۱)

۱۶- گزینه «۲»

(ممر ابراهیم توزندهانی)

کمی فاصله‌ای: ساعت شروع امتحان - درجه حرارت در شهرهای مختلف
کمی نسبتی: میانگین وزن دانش‌آموزان پایه یازدهم یک مدرسه - مقدار مقاومت یک لامپ - مدت زمان امتحان

کیفی اسمی: نوع مدرسه یک دانش‌آموز - نوع آلاینده‌گی هوا

کیفی ترتیبی: مقاطع تحصیلی - سایز یک پیراهن - رتبه کنکور

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۰ تا ۸۴)

۱۷- گزینه «۳»

(آروین حسینی)

ابتدا داده‌ها را از کوچک به بزرگ مرتب می‌کنیم. چون تعداد داده‌ها زوج است، پس میانه آن‌ها برابر میانگین دو داده وسط است.

$$12, 14, 15, \underbrace{17, 23}_{\text{میانه} = \frac{17+23}{2} = 20}, 26, 29, 30$$

پس میانه داده‌های $x, 20, 19, 11, 8, 7, 3$ باید نصف ۲۰ یعنی ۱۰ باشد. از طرفی چون تعداد داده‌ها فرد است، پس داده وسط میانه است، چون در بین داده‌ها ۱۰ وجود ندارد، پس x داده وسطی است و مقدار آن نیز برابر ۱۰ است.

$$3, 7, 8, 10, 11, 19, 20 \Rightarrow x = 10$$

↓
میانه

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۸)

۱۸- گزینه «۱»

(ابوالفضل بهاری)

ابتدا تعداد داده‌های اولیه را به دست می‌آوریم:

$$\bar{x} = \frac{\text{مجموع داده‌ها}}{\text{تعداد داده‌ها}} = \frac{12}{3} = 4 \Rightarrow 4n = 12 \Rightarrow n = 3$$

داده x را اضافه می‌کنیم:

$$\frac{12+x}{3+1} = 6 \Rightarrow 12+x = 24 \Rightarrow x = 12$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۸)

۱۹- گزینه «۱»

(ممر بهیرایی)

از آن جایی که مد منحصر به فرد است، پس داده $x+3$ با یکی از داده‌ها برابر است و مد برابر $x+3$ است. از طرفی مد و میانگین برابرند، پس میانگین داده‌ها برابر $x+3$ است. در نتیجه:

$$\bar{x} = x+3 = \frac{x+3+40+29+27+18+11}{6}$$

$$\Rightarrow 6x+18 = 138+x \Rightarrow 5x = 120 \Rightarrow x = 24$$

داده‌های جدید: ۴۲، ۲۴، ۷۱، ۴۸، ۵۲، ۳۱

داده‌ها را از کوچک به بزرگ مرتب می‌کنیم:

$$24, 31, \underbrace{42, 48}_{\text{میانه} = \frac{42+48}{2} = 45}, 52, 71$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۸)

۲۰- گزینه «۴»

(ممر ممبری)

داده‌های سری A فاقد داده دور افتاده (پرت) است، بنابراین از شاخص‌های میانگین و انحراف معیار استفاده می‌کنیم، اما در داده‌های سری B ، داده‌های دور افتاده (پرت) وجود دارند و پراکنده‌گی زیاد است، شاخص‌های میانه و دامنه میان چارکی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۹۳ تا ۹۵)



۲۱- گزینه «۳»

(ممد بصیرایی)

اگر واریانس یک سری داده برابر صفر باشد، داده‌ها برابرند، پس:

$$3b - 2 = 10 \Rightarrow 3b = 12 \Rightarrow b = 4$$

$$c + b = 10 \Rightarrow c + 4 = 10 \Rightarrow c = 6$$

$$a + 2b = 10 \Rightarrow a + 8 = 10 \Rightarrow a = 2$$

$$d + 2 = 10 \Rightarrow d = 8$$

$$a, b, c, d, 10 \Rightarrow 2, 4, 6, 8, 10$$

$$\Rightarrow \bar{x} = \frac{30}{5} = 6$$

$$\Rightarrow \sigma^2 = \frac{(2-6)^2 + (4-6)^2 + (6-6)^2 + (8-6)^2 + (10-6)^2}{5}$$

$$= \frac{16 + 4 + 0 + 4 + 16}{5} = \frac{40}{5} = 8$$

$$\Rightarrow \sigma = \sqrt{8} = 2\sqrt{2}$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۱)

۲۲- گزینه «۴»

(فرشید کریمی)

$x + 1 =$ میانگین داده‌های مرتب شده

$$\text{میانگین داده‌ها} = \frac{(x-1) + (x) + (x+1) + (x+1) + (2x) + (x+2) + (x+3)}{7}$$

$$= \frac{8x + 6}{7}$$

$$\text{میانگین} = x + 1 \Rightarrow x + 1 = \frac{8x + 6}{7} \Rightarrow 7x + 7 = 8x + 6 \Rightarrow x = 1$$

داده‌ها $\Rightarrow 0, 1, 2, 2, 2, 3, 4$

$2, 2, 2 =$ داده‌های بین چارک اول و سوم

$\Rightarrow \sigma = 0$ پس انحراف معیار برابر صفر می‌شود \rightarrow چون داده‌ها با هم برابر شدند

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۱۵ تا ۹۸)

۲۳- گزینه «۲»

(سعید عزیزقانی)

در منحنی نرمال ۶۸ درصد داده‌ها در فاصله $(\bar{x} - \sigma, \bar{x} + \sigma)$ است.

بنابراین:

$$\begin{cases} \bar{x} + \sigma = 40 + 6\sqrt{5} \\ \bar{x} - \sigma = 40 - 6\sqrt{5} \end{cases} \Rightarrow \bar{x} = 40, \sigma = 6\sqrt{5}$$

(ریاضی و آمار (۱)، کار با داده‌های آماری، صفحه‌های ۹۱ تا ۹۴)

۲۴- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های)

تعداد کل داده‌ها ۳۰ است و عبارت‌اند از:

$$20, 21, 21, 22, 23, 23, 24, 24, 24, 25, 25, 26, 27, 27, 28,$$

$$29, 29, 29, 30, 30, 31, 32, 32, 33, 33, 33, 34, 35, 38, 40$$

که ۱۰ داده آن دمای بالاتر از ۳۰ هستند. درصد آن‌ها برابر است با:

$$\text{درصد} = \frac{10}{30} \times 100 = 33\% / 33$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۶)

۲۵- گزینه «۲»

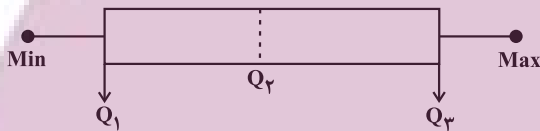
(ممدابراهیم توزنده‌بانی)

اگر داده‌ها را با x_1, x_2, \dots, x_{31} نشان دهیم آن‌گاه x_{16} میانگین و تعداد

داده‌ها در نیمه اول یا در نیمه دوم جعبه برابر است با: ۱۵

$$Q_1 = x_8$$

$$Q_3 = x_{24}$$



داده‌های سیبیل چپ: x_1, x_2, \dots, x_7

داده‌های سیبیل راست: $x_{25}, x_{26}, \dots, x_{31}$

داده‌های داخل و روی جعبه: x_8, x_9, \dots, x_{24}

$$15 = \frac{x_8 + x_9 + \dots + x_{24}}{17} \text{ میانگین داده‌های داخل و روی جعبه}$$

$$\Rightarrow x_8 + x_9 + \dots + x_{24} = 255$$

حال میانگین کل را محاسبه می‌کنیم.

$$\text{کل } \bar{x} = \frac{x_1 + x_2 + x_3 + x_4 + x_5 + x_6 + x_7 + x_8 + \dots + x_{24} + x_{25} + \dots + x_{31}}{31}$$

$$\text{کل } \bar{x} = \frac{90 + 255 + 151}{31} = 16$$

حالا بریم سراغ نمودار دایره‌ای:

$$360^\circ \times \frac{\text{فراوانی آن گروه}}{\text{فراوانی کل}} = \text{زاویه هر گروه}$$

$16 =$ فراوانی گروه $A =$ میانگین کل داده‌ها در نمودار جعبه‌ای

فراوانی کل $= 160$

$$A \text{ زاویه} = \frac{16}{160} \times 360 = 36^\circ$$

(ریاضی و آمار (۱)، نمایش داده‌ها، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۹)

علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)

۲۶- گزینه ۳»

(شیوا نظری)
سادگی نثر این دوره در همه جا یکسان نیست و نثر ساده این دوره را نمی‌توان فصیح و بلیغ دانست.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۲۷- گزینه ۳»

تشریح موارد نادرست:

ب) حسین منزوی مربوط به گروه دوم است که بعد از انقلاب به همان روال گذشته به کار ادبی خود ادامه دادند و در زمینه‌هایی متأثر از ادبیات جهان بودند، نه شاخه جوان بعد از انقلاب.
ج) رمان نویسی مربوط به نثر دوره انقلاب است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۵ تا ۷۷ و ۷۹)

۲۸- گزینه ۱»

(سعید بعفری)
نسل جوان انقلاب هنوز مهارت کافی برای بیان ادبی تجربه‌های خود نداشت. لازمه کسب این مهارت تأمل در آثار قدما و آشنایی با ادبیات جهان بود. این نسل کار خود را با داستان کوتاه آغاز کرد و ادامه داد. از این رو ادبیات داستانی و نثر پس از انقلاب در شکل فراگیر خود در داستان کوتاه جلوه‌گر شد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۸ و ۷۹)

۲۹- گزینه ۲»

(شیوا نظری)
الف) ویژگی‌های شعر «افسانه» اثر نیما
ب) ویژگی‌های سبکی شعر مهدی اخوان ثالث
ج) وجه تمایز پروین اعتصامی از دیگر شاعران
د) شهریار در غزل، طبعی لطیف داشت و از حافظ تأثیر فراوان گرفته بود.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۰ تا ۷۲)

۳۰- گزینه ۲»

(شیوا نظری)
نمونه نثر تلگرافی و پرشتاب جلال آل‌احمد را می‌توان در «مدیر مدرسه» دید.
«سه‌تار» از مجموعه داستان‌های جلال آل‌احمد است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه ۷۳)

۳۱- گزینه ۱»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «کشتی پهلوگرفته» اثر سید مهدی شجاعی است.
گزینه ۳: «بدوک» فیلمنامه‌ای از سید مهدی شجاعی است.
گزینه ۴: «زمستان ۶۲» نوشته اسماعیل فصیح و «ملاقات در شب آفتابی» از علی مؤذنی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۷ تا ۸۰)

۳۲- گزینه ۱»

(میثقی فرهادی)

مفهوم کلی بیت گزینه ۱» با شادی‌گرایی ارتباط دارد که از ویژگی‌های فکری «سبک خراسانی» می‌باشد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «۲»: فراق و غم‌گرایی: ویژگی سبک عراقی

گزینه ۳: «۳»: اعتقاد به قضا و قدر: ویژگی سبک عراقی

گزینه ۴: «۴»: ستایش عشق: ویژگی سبک عراقی

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۷ و ۳۸)

۳۳- گزینه ۴»

(مهمرامین (اراش‌فام))

بیت، فاقد تشبیه است و «عمر» مجاز از زمان طولانی است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۱»: «روی معشوق» به آفتاب تشبیه شده‌است.

تشبیه مضمّر تفضیلی نیز در تشبیه «روی معشوق» به سایر اجرام آسمانی مشاهده می‌شود.

گزینه ۲: «۲»: در بیت، مجاز مشاهده نمی‌شود. «خون» در این بیت، نمی‌تواند مجاز از کشتن باشد.

گزینه ۳: «۳»: در بیت، شاعر به‌صورت پنهان، «چشم» و «بروی» معشوق را به اجرام آسمانی تشبیه کرده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۳۴- گزینه ۲»

(یاسین مهریان)

این بیت، فاقد مجاز است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۱»: «آفتاب» مجاز از «خورشید»

گزینه ۳: «۳»: «الله اکبر» مجاز از «اذان»

گزینه ۴: «۴»: «سفال» مجاز از «کوزه سفالی»

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۳۵- گزینه ۳»

(میثقی فرهادی)

بیت، فاقد مجاز است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۱»: «خدنگ» مجاز از «تیر»

گزینه ۲: «۲»: «شیخ و شاب» مجاز از «همه مردم»

گزینه ۴: «۴»: «زبان» مجاز از «سخن»

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۳۶- گزینه ۳»

«آفاق» مجاز از مردم دنیا

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» «روز» مجاز از زمان و موعد و «روی» مجاز از کل وجود

گزینه ۲» «سبزه و آب روان» مجاز از طبیعت و «ایام گل» مجاز از فصل

بهار

گزینه ۴» «انفاس» مجاز از سخنان و وردها و «ایام» مجاز از روزگار

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۵۱ تا ۵۳)

۳۷- گزینه ۱»

«عجوزه» استعاره از جهان است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲» «عبارت «ترک شیرازی»، صفت جانشین اسم است و استعاره نیست.

گزینه ۳» «کلمات «مشک، عنبر، یاقوت و زمرد» همگی در معنای خود به کار رفته‌اند.

گزینه ۴» «سهی‌قد»، «زربارخ» و «پهلوان» همگی صفت هستند و نمی‌توان یک صفت را در جایگاه استعاره مصرحه قرار داد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه ۵۳)

۳۸- گزینه ۳»

وزن بیت گزینه ۳» «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

گزینه ۲» «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

گزینه ۴» «فعولن فعولن فعولن فعولن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۳۹- گزینه ۲»

(ممدامین راداش‌فام)

وزن مشترک بیت صورت سؤال و گزینه ۲» «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن

وزن بیت سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» «فاعلاتن فاعلاتن فعلن

گزینه ۳» «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن

گزینه ۴» «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۴۰- گزینه ۴»

گزینه ۴» «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن»

گزینه ۲» «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

گزینه ۳» «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۴۱- گزینه ۴»

(هومن نمازی)

مصراع نخست را می‌توان به دو شیوه هجابندی کرد: ۱- مفاعیلن مفاعیلن

فعولن ۲- فعلاتن مفاعیلن فعلن؛ که با توجه به مصراع دوم، برش آوایی

«فعلاتن مفاعیلن فعلن» صحیح است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» وزن بیت این گزینه، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

گزینه ۲» وزن بیت این گزینه، «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» است که

همسان (تک‌پایه‌ای) محسوب می‌شود.

گزینه ۳» وزن بیت این گزینه، «مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل» است

که این وزن، بر علامت‌گذاری دیگر آن که وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل

فعولن» را به دست می‌دهد، ترجیح دارد.

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۴۲- گزینه ۲»

(ممدامین راداش‌فام)

شاعر در بیت گزینه ۲» به این موضوع اشاره دارد که نباید نزد ظالم اظهار

ناتوانی کرد، زیرا موجب افزایش ستم از طرف ظالم می‌شود. در مصراع دوم

هم مثال کباب و آتش برای روشن شدن بیشتر همین موضوع آورده شده

است.

ابیات گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» هریک به نوعی اشاره به نابودی ستم و ظالم

دارند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» «شاعر می‌گوید جهان بر پایه عدل است و ظلم پایدار نیست.

گزینه ۳» «اشاره به نابودی ظالم به‌واسطه عمل خود دارد.

گزینه ۴» «نابودی و عدم بقای ظلم

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، ترکیبی)

۴۳- گزینه ۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

مفهوم گزینه ۴» «بی‌خوابی و گریستن عاشق به‌خاطر دوری از معشوق

است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، ترکیبی)

۴۴- گزینه ۱»

در بیت صورت سؤال شاعر به معشوق می‌گوید: «اگر از زبان (لب) تو امان و پناهی (زنهار) برای من صادر شود، در بالاترین مقام خواهم بود»؛ این مفهوم در بیت گزینه ۱» نیز بیان شده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲»: توصیف زیبایی لب معشوق

گزینه ۳»: توصیف خنده زیبای معشوق و ترجیح آن بر شکوفه‌های بهاری

گزینه ۴»: توصیف زیبایی لب معشوق و غمگین شدن شاعر با دیدن آن

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه ۴۱)

۴۵- گزینه ۲»

(سعید بعفری)

الف) قسمت ازلی (تقدیر) بدون حضور انسان رقم خورده است و باید به آن رضایت داد.

ب) باید جسم و جان را نثار معشوق کرد.

ج) همه چیز در دست خداوند و حاصل وجود او است، همان‌طور که خط از خرد (عقل) برمی‌خیزد، نه از انگشتان.

د) باید خود را تسلیم یار کنیم.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهومی، صفحه‌های ۴۷، ۵۵ و ۵۶)

علوم و فنون ادبی (۳) - اختیاری

۴۶- گزینه ۴»

(هومن نمازی)

الف) اولین کنگره نویسندگان و شاعران در تیرماه ۱۳۲۵ (دوره دوم) تشکیل شد.

ب) در دوره چهارم جریان‌های ادبی پیشین به کمال می‌رسند.

ج) سمبولیسم اجتماعی در دوره سوم رواج یافت.

د) مربوط به دوره سوم است

ه) مربوط به دوره اول است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۴۷- گزینه ۲»

(هومن نمازی)

فقط سوشون غلط معرفی شده است. نویسنده آن سیمین دانشور است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» دهکده پرمال از امین فقیری است؛ افسانه از علی اسفندیاری (نیما یوشیج) است.

گزینه ۳» شوهر آهوخانم از علی محمد افغانی، بره گم‌شده راعی از هوشنگ گلشیری و جعفرخان از فرنگ برگشته نوشته حسن مقدم است.

گزینه ۴» خالق زمستان اخوان ثالث است و ققنوس از نیما یوشیج است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۴)

۴۸- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا علویان)

آثار این گزینه همگی مربوط به دوره معاصر پس از انقلاب می‌باشند؛ خواب ارغوانی مجموعه شعر سیدعلی موسوی گرمارودی، زمین سوخته رمانی از احمد محمود، ضیافت از مجموعه داستان‌های سیدمهدی شجاعی و مهاجر کوچک به قلم محمدرضا سرشار است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: دوره انقلاب - دوره انقلاب - دوره معاصر (پیش از انقلاب) - دوره انقلاب

گزینه ۲»: دوره معاصر (پیش از انقلاب) - دوره انقلاب - دوره بیداری - دوره بیداری

گزینه ۳»: دوره بیداری - دوره معاصر (پیش از انقلاب) - دوره معاصر (پیش از انقلاب) - دوره بیداری

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، ترکیبی)

۴۹- گزینه ۳»

(مهدرامین راداش‌فام)

هجای پایانی مصراع دوم کشیده است، اما با توجه به اختیار بلندبودن هجای پایانی مصراع، بلند به حساب می‌آید، پس با توجه به شرط صورت سؤال مبنی بر اعمال اختیارات شاعری در شمارش هجاها، این هجا را باید شمرد.

ش	را	ب	خُر	د	و	خی	کُر
U	-	U	-	U	U	-	-
د	می	رَ	وی	بِ	چَ	من	
U	-	U	-	U	U	-	

ک	آ	بِ	رو	یِ	تُ	آ	تَش
U	-	U	-	U	U	-	-
د	رَر	غَ	وا	نَن	داخت		
U	-	U	-	-	-		

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۵۰- گزینه ۳»

(باسین مه‌ریان)

در بیت گزینه ۳»، «ماند» در واژه «نماند»، یک هجای کشیده است که باید بلند محسوب شود؛ اختیار وزنی بلندبودن هجای پایان مصراع توجه: واژه «نماند» را به دو شکل می‌توان خواند: «نماند» و «نماند» / با توجه به مصراع دوم، وزن بیت، «مفاعن فاعلاتن مفاعن فعلا» است و اگر بخواهیم مصراع اول را با واژه «نماند» در نظر بگیریم، وزن مصراع اول، «مفاعن فاعلاتن مفاعن فعلاتن» می‌شود که با مصراع دوم، هم‌خوانی ندارد. بنابراین، باید آن را به شکل «نماند» بخوانیم.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «شین» یک هجای بلند است؛ زیرا که «ن» ساکن، بعد از مصوت بلند آمده است و مصوت بلند، کوتاه در نظر گرفته می‌شود. (کتاب علوم و فنون ادبی (۱)، صفحه ۴۹)

گزینه «۲»: «نه»، از مصدر «نهادن» است و «ه» در آن، ملفوظ است؛ بنابراین، «نه» یک هجای بلند است.

گزینه «۴»: «ده» نیز دارای «ه» ملفوظ است؛ بنابراین، یک هجای بلند است، نه هجای کوتاه.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۵۱- گزینه «۳»

(باسین موریان)

بیت «ب» فاقد ابدال / وزن بیت: مفتعلن مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن / واژه «سر» به شکل «سَر» و واژه «بر» به شکل «بِر» خوانده می‌شود؛ بنابراین، فاقد ابدال هستند.

بیت «د»: فاقد آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن / وزن بیت: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلهن / وزن واژه اصلی بیت، «فاعلاتن» است و امکان رخ دادن اختیار آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن، در این وزن وجود ندارد. / توجه داشته باشید که «نه» در ابتدای مصراع اول، دارای اختیار بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه است. در پیداکردن وزن بیت، صرفاً به رکن اول اکتفا نکنید، چون ممکن است شامل اختیار شاعری شده باشد. مثلاً در همین بیت، اگر فقط رکن اول مصراع اول را بررسی می‌کردیم، وزن واژه بیت را «فاعلاتن» در نظر می‌گرفتیم و مصراع دوم را دارای اختیار آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن می‌دانستیم؛ در حالی که وزن واژه بیت، اصلاً «فاعلاتن» نیست.

تشریح سایر ابیات:

بیت «الف»: وزن بیت: مفتعلن فاعلهن مفتعلن فاعلهن / «عشق» و «کرد» (نکرد)، هجاهای کشیده‌ای هستند که در پایان نیم‌مصراع قرار گرفته‌اند و باید به عنوان هجای بلند محسوب شوند. / نکته: اختیار بلندبودن هجای پایانی، صرفاً در پایان مصراع رخ نمی‌دهد، بلکه ممکن است در پایان نیم‌مصراع، در اوزان دولختی نیز رخ بدهد.

بیت «ج»: وزن بیت: مفعول مفاعیل مفاعیل فعل / اختیار شاعری قلب: شاعر در رکن دوم مصراع اول، به جای «مفاعیل»، از «مفاعلهن» بهره‌برده است.

نکته مهم درسی:

اختیار شاعری قلب، در وزن رباعی (مفعول مفاعیل مفاعیل فعل) نیز امکان دارد رخ دهد. اگر شاعر، به جای «مفاعیل»، از «مفاعلهن» استفاده کند، از اختیار شاعری قلب بهره‌برده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۶)

۵۲- گزینه «۴»

(سیر علیرضا امیری)

آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن، ابدال (تبدیل فعلن به فعلن) و بلندبودن هجای پایانی در گزینه «۴» مشهود است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۶)

۵۳- گزینه «۳»

(سیر علیرضا امیری)

در هر دو مصراع بیت گزینه «۳»، هجای نخست کوتاه است و وجود اختیار آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن منتفی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

۵۴- گزینه «۳»

(میتبی فرهادی)

در گزینه «۳»، هجای پایانی مصراع اول (ریش)، هجایی کشیده است که بلند محسوب می‌شود.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: هجای پایانی «گان» با حذف نون و «رَد» بلند هستند.

گزینه «۲»: هجای پایانی «رَد» و «رَد» بلند هستند. (در این اختیار شاعری با خوانش آخرین واژه از مصراع به اختیار شاعری پی برده می‌شود. گاه نگاه به هجا و واژه پایانی نمی‌تواند دانش آموز را به پاسخ صحیح برساند، در این مواقع بهتر است مصراع را از ابتدا خوانده یا چند واژه قبلی نیز خوانده شود.)

گزینه «۴»: هجای پایانی «وی» و «ید» بلند هستند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۳ تا ۱۶)

۵۵- گزینه «۱»

(سعید معفری)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴»: یک ابدال دارند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۱۵)

جامعه‌شناسی (۲)**۵۶- گزینه «۴»**

(آریتا بیرقی)

تشریح عبارت نادرست:

علت توسعه و گسترش قدرت و ثروت ← داوری اخلاقی درباره قدرت، ثروت و دانش نادیده گرفته شد تا با توسعه و گسترش آن‌ها، زمینه آسایش و آرامش دنیوی بشر بیشتر فراهم شود.

(یامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۳ و ۵۵)

۵۷- گزینه ۳»

(سیر مفسر مرنی دینانی)

- هر چه در گذر زمان، جوامع پیچیده‌تر می‌شوند، سیاست نیز ضروری‌تر و پیچیده‌تر می‌شود.

- تصمیم‌گیری درباره مسائل مشترک و رفع اختلافات و تضاد میان افراد و گروه‌هایی که با هم زندگی می‌کنند، سیاست و عمل سیاسی را پدید می‌آورد.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه ۵۶)

۵۸- گزینه ۲»

(ریحانه امینی)

تشریح موارد نادرست:

- سیاست دو وجه یا بُعد اصلی دارد. یک بُعد آن تدبیر و تنظیم امور و بعد دیگر آن، ضمانت اجرای قانون است که نیازمند قدرت می‌باشد.

- قدرت وجه عینی و محسوس سیاست و جنبه الزام‌آور آن است.

- در گذشته و به صورت عادی، سیاست، محدوده حکومت و دولت به حساب می‌آمده است، ولی امروزه این تلقی وجود ندارد.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۷ و ۵۸)

۵۹- گزینه ۲»

(ریحانه امینی)

در گذشته، قدرت وسیله و ابزاری برای تحقق اهداف و فضیلت‌های اخلاقی قلمداد می‌شده است.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۷ و ۵۸)

۶۰- گزینه ۲»

(سیر مفسر مرنی دینانی)

تشریح موارد نادرست:

- کسانی که توان تأثیرگذاری بیش‌تری بر اراده دیگران دارند، قدرت اجتماعی بیشتری دارند.

- ضمانت اجرای کنش‌های جمعی قدرت است.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۶۱- گزینه ۱»

(سیر مفسر مرنی دینانی)

- مالکیت (ثروت و درآمد)، وسیله جذب اطاعت دیگران است.

- شخصیت با قدرت اقناعی یعنی توانایی ترغیب یا ایجاد باور، نزدیکی بیش‌تری دارد.

- در جوامع نخستین، قدرت بدنی منبع دستیابی به قدرت تنبیهی بود.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه ۶۰)

۶۲- گزینه ۱»

(فاطمه صفری)

- سازمان، پیوند میان افراد و گروه‌های انسانی مانند رابطه همکاران، هموطنان و هم‌کیشان را در بر می‌گیرد که از آن به «انسجام اجتماعی» یاد می‌شود.

- امروزه بیشترین قدرت‌ها درون سازمان‌ها متمرکز شده‌اند.

- ابزار اعمال قدرت تشویقی مربوط به مالکیت است.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۶۰ تا ۶۲)

۶۳- گزینه ۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

اطاعت اقناعی دیگران ← پیامد ← ثروت

جمع کسانی که منافع، ارزش‌ها یا برداشتهای مشترکی دارند. ← معنای سازمان

مؤثر واقع شدن مالکیت و شخصیت به پشت‌گرمی سازمان ← علت کاهش سهم مالکیت سهامداران

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۶۰ تا ۶۲)

۶۴- گزینه ۲»

(هیبه مصبی)

تشریح عبارات نادرست:

ب: همواره باید قدرت‌ها را با رویکردی عالمانه و انتقادی بنگریم تا شرعی، اخلاقی و قانونی بودن آن را دریابیم.

د: هر کنش سیاسی، یا به قصد تغییر وضع موجود انجام می‌شود و یا با هدف حفظ آن.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه ۶۴)

۶۵- گزینه ۱»

(هیبه مصبی)

اگر تمایل به حفظ وضع موجود باشد، هدف، پیشگیری از تغییری است که وضعیت را «بدتر» می‌کند و هرگاه تمایل به تغییر وجود داشته باشد، هدف، ایجاد وضعیت «بهتر» است.

(جامعه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه ۶۴ و ۶۵)

جامعه‌شناسی (۳) - اختیاری

۶۶- گزینه ۲»

(ریحانه امینی)

ویژگی‌های نظام لیبرال دموکراسی:

- لیبرالیسم به معنای مجاز دانستن همه امور برای انسان و دموکراسی به معنای حاکمیت اکثریت مردم براساس خواست و میل خودشان است.

- با خواست و اراده اکثریت مردم شکل می‌گیرد و هیچ حقیقت و فضیلتی را که مستقل از خواست مردم باشد، به رسمیت نمی‌شناسد.

- نظام سیاسی سازگار با فرهنگ جهان غرب است که رویکردی سکولار و دنیوی به جهان هستی دارد.

- در این نظام، آزادی مهم‌ترین ارزش اجتماعی است و ثبات، رفاه و سلطه بر طبیعت از دیگر ارزش‌های مهم آن به شمار می‌روند.

- در این نظام فقط می‌توان از مقبولیت قدرت حرف زد و نمی‌توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت.

ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی:

- در این ترکیب، جمهوری به این معناست که مردم خودشان سرنوشت سیاسی خود را تعیین می‌کنند و اسلامی نشانگر این است که فعالیت مردم و نظام سیاسی براساس عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان می‌یابد.
- قوانین و مقررات آن با خواست مردم و براساس احکام الهی و اسلامی تعیین می‌گردند.
- نظام سیاسی سازگار با فرهنگ توحیدی است که در جهان اسلام مورد توجه و اقبال قرار گرفته است.
- ارزش‌های سیاسی و قوانین و مقررات اجتماعی با عقل و وحی شناخته و معین می‌شوند. مردم نیز مسئولیت شناخت و اجرای آن‌ها را به عهده دارند.
- در این نظام می‌توان از مقبولیت و مشروعیت حقیقی سخن گفت.

(پایه‌شناسی (۳)، قدرت اجتماعی، صفحه‌های ۶۸ و ۶۹)

۶۷- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

- مشارکت سیاسی ← موجب افزایش آگاهی می‌شود
- یکی از شیوه‌های مشارکت سیاسی ← انتخابات سیاسی
- تفاوت‌های اسمی بهانه‌ای برای نابرابری‌های اجتماعی‌اند ← نظام آپارتاید
- قشربندی اجتماعی ← جامعه‌شناسان در مطالعه نابرابری‌های اجتماعی به آن توجه می‌کنند.

(پایه‌شناسی (۳)، ترکیبی)

۶۸- گزینه «۱»

(کوثر شاه‌سیننی)

تشریح عبارات نادرست:

- (ب) در رقابت عادلانه باید نقطه شروع رقابت یکسان باشد.
- (د) مفهوم قشربندی در جامعه‌شناسی، از زمین‌شناسی گرفته شده است.

(پایه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

۶۹- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

تشریح موارد نادرست:

- (ب) در این رویکرد نقطه شروع رقابت‌ها یکسان می‌شود.
- (ج) اینان عدالت اقتصادی را مهم می‌دانند و معتقدند با توزیع برابر ثروت، نابرابری اجتماعی از بین می‌رود و عدالت برقرار می‌شود.

(پایه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۷۶)

۷۰- گزینه «۲»

(کوثر شاه‌سیننی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

- گزینه «۱»: مربوط به رویکرد عدالت اجتماعی - مربوط به رویکرد عدالت اجتماعی
- گزینه «۳»: مربوط به دیدگاه طرفداران قشربندی - مربوط به دیدگاه مخالفان قشربندی
- گزینه «۴»: مربوط به رویکرد عدالت اجتماعی - مربوط به دیدگاه مخالفان قشربندی

(پایه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۸)

جامعه‌شناسی (۱)

۷۱- گزینه «۲»

(آزیتا بیرقی)

- پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف ← تنوع آگاهی و معرفت انسان‌ها و تنوع اراده و اختیار آن‌هاست.
- عمیق‌ترین لایه‌های جهان اجتماعی ← عقاید و ارزش‌ها
- مواجه شدن مردم‌شناسان با فرهنگ‌های غیرغربی ← علت طرح مهم‌ترین انتقادات به خودمداری فرهنگ غرب

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۰، ۳۵ و ۳۶)

۷۲- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

- در این دیدگاه، عده‌ای از اندیشمندان اجتماعی معتقدند جهان‌های اجتماعی متنوع‌اند. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مسیرهای مختلفی را می‌پیمایند. برخی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، زمانی طولانی دوام می‌آورند و بعضی دیگر پس از مدتی از بین می‌روند. در این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند؛ اما هیچ یک از آن‌ها با حفظ هویت خود نمی‌توانند مسیر دیگری را ادامه دهند. جهان اجتماعی زنده و سالم، فعالانه با جهان اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند. مطابق با نیاز خود، از دستاوردهای جهان‌های اجتماعی دیگر بهره می‌برد. در صورتی که لازم باشد، تغییراتی در آن‌ها به وجود می‌آورد و سپس از آن‌ها استفاده می‌کند.

(پایه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۷۳- گزینه ۲»

(صبیه مهبی)

الف) جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی پدید می آید.
 ب) هر جهان اجتماعی تا زمانی که از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی می ماند.
 ج) هر جهان اجتماعی براساس عقاید و ارزش های خود، افق ها و ظرفیت های جدیدی برای انسان فراهم می کند.

(جامعه شناسی (۱)، زرنگی اجتماعی، صفحه های ۴۲ تا ۴۴)

۷۴- گزینه ۲»

(فاطمه صفری)

جهان اساطیری، طبیعت را قلمرو قدرت های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون های آن ها می بیند و با طرد دانش ابزاری متناظر با طبیعت، امکان بهره روری معقول انسان از طبیعت را دور از دسترس می سازد.
 رواج کنش های حساب گرانه معطوف به دنیا مانند استفاده از حسابداری و اقتصاد برای تخمین سود، عرصه را بر سایر کنش های انسانی، مانند کنش های عاطفی و اخلاقی تنگ می کند. این وضعیت به تدریج انسان ها را اسیر نظام اجتماعی پیچیده ای می سازد که مثل قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را احاطه می کند و فرصت رهایی از این قفس خودساخته را از آنان می گیرد. از این روند، به از دست رفتن اراده و آزادی انسان ها یاد می شود.

جهان متجدد فقط علمی را که با روش های تجربی به دست می آیند، علم می داند و علمی را که از روش های فراتجربی (عقلانی و وحیانی) استفاده می کنند، علم نمی شناسد. با افول این دسته از علوم، امکان ارزیابی ارزش ها و آرمان های بشری که پدیده های فراتجربی هستند و با علوم تجربی قابل مطالعه نیستند از دست می رود و داوری درباره این امور به تمایلات افراد و گروه های متفرق سپرده می شود.

(جامعه شناسی (۱)، زرنگی اجتماعی، صفحه های ۴۶ تا ۴۹)

۷۵- گزینه ۴»

(کتاب آبی پیمانته ای)

افراد خواهان تسلط بر این جهان، اسیر نظام اجتماعی پیچیده ای می شوند و فرصت رهایی از این قفس خودساخته را ندارند.

(جامعه شناسی (۱)، زرنگی اجتماعی، صفحه های ۳۸ و ۳۹)

جامعه شناسی (۲)

۷۶- گزینه ۱»

(کتاب آبی پیمانته ای)

اصول اعتقادی و ارزش های اسلام، اصول و ارزش های ثابتی است که همه انبیا در طول تاریخ برای تبلیغ و ترویج آن مبعوث شده اند.

(جامعه شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۲۷)

۷۷- گزینه ۲»

(کوثر شاه حسینی)

- دوره استعمار: استبداد قومی با وجود اینکه دارای هویتی غیراسلامی بود به دلیل اینکه پشتوانه و پیشینه ای خارج از جهان اسلام نداشت، از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلامی دوری می کرد.

- دوران خلافت: عقاید و ارزش های جهانی اسلام، فارغ از عملکرد قدرت های سیاسی و با تلاش و کوشش عالمان مسلمان، از مرزهای جغرافیایی و سیاسی جوامع مختلف عبور کرد و بر قدرت های سیاسی که در این مناطق حضور داشتند، تأثیر گذاشت.

- عصر بیداری اسلامی: بسیاری از نخبگان کشورهای اسلامی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، برای مقابله با سلطه استعمار، از مکاتب و روش های غربی مانند ناسیونالیسم یا مارکسیسم استفاده می کردند.

(جامعه شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۲۹، ۳۱ و ۳۲)

۷۸- گزینه ۲»

(مهرداد ایمانی نسب)

اومانیسم در بخش های مختلف فرهنگ غرب نظیر هنر، ادبیات و حقوق بروز یافته است. بنابراین تغییر رویکرد و تفاوت میان هنر قرون وسطی و هنر عصر مدرن به اومانیسم که از نتایج منطقی سکولاریسم است، باز می گردد.

(جامعه شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه های ۳۸ تا ۴۱)

۷۹- گزینه ۲»

(کوثر شاه حسینی)

الف) حرکت های اعتراض آمیز مذهبی (پروتستانتیسم) در جهت اصلاح دینی پدید آمدند.

ب) روشنگری در معنای خاص نوعی معرفت شناسی است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه می شود. این منظومه، فلسفه روشنگری را می سازد.

ج) دئیسم یعنی اعتقاد به خدایی که هیچ برنامه ای برای هدایت و سعادت بشر ندارد.

د) رنسانس به معنای «تجدید حیات» و «تولد دوباره» است.

(جامعه شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه های ۳۳ و ۳۷ تا ۳۹)

۸۰- گزینه ۴»

(صبیه مهبی)

- حرکت های اعتراض آمیز رنسانس، به جای بازگشت به سوی حقیقت الهی انسان، به رویگردانی از نگاه معنوی منجر شد.

- علم جدید با رویکرد دنیوی خود، دیگر وظیفه شناخت حقیقت عالم و مسئولیت عبور انسان را از ملک به ملکوت بر عهده نداشت و به تدریج به ابزار تسلط انسان بر طبیعت تبدیل شد.

- لیبرالیسم، جایز دانستن همه امور در قیاس با خواست انسان است.

(جامعه شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه های ۵۱ تا ۵۳)

روانشناسی

۸۱- گزینه «۱»

(مهسا عفتی)

تصمیم‌گیری، عالی‌ترین و پیچیده‌ترین فعالیت شناختی انسان است.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۳۷ و ۱۳۸)

۸۲- گزینه «۱»

(عمیرضا تولگی)

او برای تصمیم‌گیری از یک حس درونی کمک گرفته و دلیل تکانشی نبودن آن این است که ناگهانی تصمیمی نگرفته است.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۳ و ۱۴۴)

۸۳- گزینه «۴»

(مهروی باهری)

زمانی که فرد برای جلوگیری از آسیب‌ها و خطرات احتمالی تصمیم بگیرد، ملاک تصمیم‌گیری او «خطر» بوده است؛ مثال: زمانی که فرد دوندۀ برای جلوگیری از ریسک پارگی عضله از مسابقه انصراف دهد. زمانی که فرد با در نظر گرفتن هزینه‌های صرف شده برای موقعیت فعلی، تصمیم‌گیری کند، ملاک «هزینه» موجب تصمیم‌گیری او بوده است؛ برای مثال زمانی که دوندۀ با تصور زحمتهایی که برای رسیدن به نزدیکی خط پایان کشیده و برای جلوگیری از باطل شدن آن‌ها تصمیم به ادامه مسابقه می‌گیرد، ملاک اثرگذار، «هزینه» بوده است.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۱ و ۱۴۲)

۸۴- گزینه «۱»

(مهمربیبی)

گزینه «۱» نادرست است. هر چند تصمیم‌گیری این فرد اولویت‌های محدود و مشخصی دارد، نوع تصمیم‌گیری او به دلیل اهمیت فراوان انتخاب رشته، مهم، پیچیده و به عبارتی دشوار است.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، ترکیبی)

۸۵- گزینه «۱»

(مهمربیبی)

چون این دانشجو بین دو گزینه مانده بود که هر دو گزینه برای او مطلوب و خواستنی است، تعارض او از نوع گرایش - گرایش است.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، ترکیبی)

۸۶- گزینه «۳»

(مهمربیبی)

اشتباه دانشجوی مورد نظر این بوده که در مراحل سه و چهار تصمیم‌گیری دقت کافی نداشته است؛ یعنی ویژگی‌ها و پیامدهای رشته‌ها را به خوبی بررسی نکرده و اکنون در مرحله آخر، یعنی بررسی پیامدها و نتایج اجرای اولویت مورد نظر قرار دارد.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۴۸)

۸۷- گزینه «۴»

(مهروی باهری)

تصمیم‌گیری بر اساس اولویت‌ها به دو دسته ساده و پیچیده تقسیم می‌شود. زمانی که تعداد اولویت‌ها محدود باشد، تصمیم‌گیری ساده و زمانی که تعداد اولویت‌ها زیاد باشد تصمیم‌گیری پیچیده است، اما این قاعده استثنا دارد. زمانی که موضوع تصمیم‌گیری مهم باشد، اما تعداد اولویت‌ها کم باشد تصمیم‌گیری پیچیده است.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۴۱ و ۱۴۲)

۸۸- گزینه «۳»

(عمیرضا تولگی)

کوچک شمردن خود، دست کم گرفتن خود، عصبانی بودن، ترسو بودن و «اعتماد به نفس پایین» مانع تصمیم‌گیری درست می‌شود. بسیاری از تصمیم‌گیری‌های مهم، علاوه بر دانش لازم، به اعتماد به نفس قوی نیاز دارد. تصمیم‌گیرنده‌ای که اعتماد به نفس کمی داشته باشد، نمی‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری موفق باشد.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۴۹)

۸۹- گزینه «۲»

(عمیرضا تولگی)

- شخص آشنایی با شهروندان شهر را دوست دارد، اما چالش‌های آن، برای او ترسناک است: گرایش - اجتناب
- هم عمل جراحی و هم بیهوشی برای شخص ناخوشایند است: اجتناب - اجتناب

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه‌های ۱۵۱ و ۱۵۲)

۹۰- گزینه «۴»

(مهروی باهری)

هر فرد در طی زندگی خود با موقعیت‌های گوناگون تعارض مواجه می‌شود. بهبود شرایط زندگی می‌تواند تجربه‌های تعارض فرد را از حالت اجتناب - اجتناب به گرایش - گرایش تغییر دهد. برای مثال هر چقدر شرایط مالی خانواده‌ای بهتر شود، آن خانواده کمتر از قبل با موقعیت‌های تعارض اجتناب - اجتناب مواجه می‌شود یا ورزشکاری که شرایط جسمانی بهتری دارد در موقعیت‌های مختلف با محدودیت کمتری مواجه بوده، با خواسته‌های خود تصمیم‌گیری کرده و در نهایت بیشتر با موقعیت‌های گرایش - گرایش مواجه خواهد بود. در نهایت هر چقدر دانش‌آموزی شرایط تحصیلی بهتری داشته باشد بیشتر با موقعیت‌های گرایش - گرایش در انتخاب رشته مواجه بوده و به اصطلاح دست بازتری دارد.

نکته مهم درسی:

تغییر شرایط، لزوماً موجب بهبود وضع نمی‌شود.

(روانشناسی، تفکر (۲) تصمیم‌گیری، صفحه ۱۵۲)

عربی زبان قرآن (۳) و (۲)

۹۱- گزینه ۳»

(ابوالفضل تائبک)

«فَمَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ:» پس به (برکت) رحمتی از سوی خدا / «لِنْتَ لَهُمْ:» با ایشان (آن‌ها) نرم‌خو شدی (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «لَوْ كُنْتُ فَظًّا غَلِيظًا الْقَلْبِ:» اگر تندخو و سنگدل بودی (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «لَا تَفْضُوا:» پراکنده می‌شدند (رد سایر گزینه‌ها) / «مِنَ حَوْلِكَ:» از اطرافت (رد گزینه ۲)

(ترجمه)

۹۲- گزینه ۲»

(علی رسولی)

«مَا مِّنْ سَمَكٍ:» هیچ ماهی‌ای ... نیست (رد گزینه ۱) / «يَسِجُ:» شنا کند (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «فِي الْبَحْرِ:» در دریا / «بِرَعَانِفِهِ:» با باله‌هایش / «إِلَّا:» مگر / «خَلَقَ اللَّهُ مِثْلَكُمْ:» مانند شما مخلوق خداوند است (رد سایر گزینه‌ها) / «فَتَفَكَّرُوا:» پس بیندیشید / «فِي عَجَائِبِ:» در شگفتی‌های (رد گزینه ۴) / «المخلوقات:» آفریدگان (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

(ترجمه)

۹۳- گزینه ۱»

(سیره‌میا مؤمنی)

«إِنضَمَّتْ:» پیوست، ملحق شد (رد گزینه ۳) / «الدَّوْلَةُ الْإِسْلَامِيَّةُ:» دولت اسلامی مفرد است، ولی در گزینه ۲» به صورت جمع ترجمه شده است. (رد گزینه ۲) / «مفردات فارسیه:» کلماتی فارسی، نکره است و باید به صورت نکره هم ترجمه شود. (رد گزینه ۴) / «دَخَلَتْ:» جمله وصفیه می‌باشد و با توجه به فعل ماضی «إِزْدَادَتْ»، باید به صورت ماضی ساده (وارد شدند) یا ماضی بعید (وارد شده بودند) ترجمه شود. (رد گزینه ۳) / «تَبَادَلْ:» تبادل، مبادله کردن / «تعداد:» در ترجمه گزینه ۴» اضافی است. (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

۹۴- گزینه ۴»

(پیروز وهان-کنبر)

«مَا أَسْرَعَ:» (بر وزن «مَا أَفْعَلُ» ← بیان تعجب) چه شتابان است (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «مَرَّ الْفُصُولِ وَالسِّنِينَ:» گذر فصل‌ها و سال‌ها (رد گزینه ۲) / «لِلْإِنْسَانِ:» برای انسان (رد گزینه ۲) / «كَمْ مِنْ عَجَائِزٍ:» چه بسیار سالخورده‌هایی که (پیرمردانی که) (رد گزینه ۱) / «يَعْتَقِدُونَ:» اعتقاد دارند، معتقدند (رد گزینه ۲) / «مَا كَانَ لَهُمْ إِلَّا بَعْضَةُ أَيَّامٍ:» برای آن‌ها جز چند روز نبود (فقط چند روز بود) (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۹۵- گزینه ۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای - کنکور انسانی ۹۵)

«لَنْ يَبْقَى:» (آینده منفی) باقی نخواهد ماند (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «فِي خَلْوِ الْحَيَاةِ أَوْ مَرَّهَا:» در تلخ یا شیرین زندگی (رد گزینه ۳) / «سَيَعْبُرُهُمَا:» (آینده مثبت) از آن دو عبور خواهد کرد (رد گزینه ۲) / «فِي يَوْمٍ مِّنَ الْأَيَّامِ:» (در) روزی از روزها (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

۹۶- گزینه ۴»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» فعل «يُفَرِّقُ» مجزوم شده است، پس در اینجا «لَمْ» که به معنی «برای چه، چرا» می‌باشد. «لَمْ يُفَرِّقُ:» فرق نگذاشت

گزینه ۲» فعل «كَانَتْ قَدْ حَضَنْتَ» باید به شکل «ماضی بعید» ترجمه شود؛ «كَانَتْ قَدْ حَضَنْتَ:» در آغوش گرفته بود»، «كان + ماضی = ماضی بعید»

گزینه ۳» ترکیب «الْفَلَاخَةُ الْفَرِحَةُ» یک ترکیب وصفی می‌باشد و کلمه «الْفَرِحَةُ» نقش صفت را دارد، نه حال، بنابراین باید به شکل «کشاورز خوشحال» ترجمه شود.

(ترجمه)

۹۷- گزینه ۴»

(روح‌الله گلشن)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» «يُحَاوِلُ» مجزوم شده است، پس با اسلوب شرط مواجهیم و «مَنْ» باید به شکل «هرکس» ترجمه شود. هم‌چنین «هرگز» در ترجمه فارسی اضافی است.

گزینه ۲» «تَعْلَمِينَ:» (فعل مضارع از صیغه مفرد مؤنث مخاطب) می‌دانی «مُتَبَارَاة:» (مفرد است، نه جمع) مسابقه

گزینه ۳» «قَدْ تَغَيَّرَتْ:» (فعل ماضی است نه مضارع) تغییر کرده است»

(ترجمه)

۹۸- گزینه ۱»

(ولی برهی - ابهر)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲» «أَطْفَالُ» به معنای «کودکان، بچه‌ها» است و برای «فرزندان» مناسب نمی‌باشد، در این گزینه «الصَّغِيرُ» نیز نادرست است، چون صفت باید در جمع بودن از موصوف خود تبعیت کند.

گزینه ۳» فعل مضارع منفی به معنای (فرق نمی‌گذارد) به کار رفته است نه فعل نهی، در این گزینه «عِنْدَ» نیز نامناسب است.

گزینه ۴» «وَالِدَانِ مُؤْمِنَانِ» نکره و به معنای (پدر و مادر با ایمانی) است و نادرست است، در این گزینه «الصَّغِيرُ» نیز مفرد به کار رفته و نادرست است.

(ترجمه)

ترجمه متن درک مطلب:

«بی‌گمان ساختمان جامعه و ستون‌های آن بر آموزش و پرورش استوار است و معلم همان معمار آن است. مردی از مردان بزرگ تاریخ را سراغ نداریم، مگر اینکه معلمی فرهیخته داشته است، لذا اگر ملّتی می‌خواهد در امور خود پیشرفت کند، باید آموزش و پرورش فرزندان را آغاز کند و به بزرگداشت معلم بپردازد تا برای آن‌ها الگوی نیکویی باشد که [نهال] ارزش‌های اخلاقی و انسانی همچون احساس مسئولیت، آزادی و عشق به وطن را در وجودشان بنشاند و خرده‌پاشان را براساس نیروی عزم و ایمان بنا کند.

ولی اگر شکوه و صلابت معلم در جامعه فرو افتد و مورد احترام واقع نشود، نه پزشکان در پزشکی خود موفق و نه مهندسان در کارشان صادق می‌باشند و کسی به وظایفش به‌خوبی عمل نمی‌کند، در نتیجه جامعه در معرض بسیاری از فشارها و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و... قرار می‌گیرد.

پادشاهان چین چندین سال به ساختن دیواری بزرگ اطراف کشورشان برای پاسداری از آن از حمله مغول پرداختند، ولی آن‌ها توانستند چندین بار وحشیانه به چین حمله کنند، بدون اینکه از آن دیوار بالا بروند، زیرا نگهبانان چینی کشورشان را به طلا (پول) می‌فروختند.

پس ای کاش پادشاهان به‌جای ساختن آن دیوار، به آموزش ارزش‌های اخلاقی و انسانی به نگهبانان اهمیت می‌دادند.»

۹۹- گزینۀ ۴

(قاله مشیرپناهی - هگلان)

[گزینۀ] نادرست را مشخص کن:

ترجمه گزینۀها:

گزینۀ «۱»: معلمان نقش بزرگی در پیشرفت و توسعه کشورها دارند!
گزینۀ «۲»: اگر ملّتی بخواهد در امنیت زندگی کند، باید به ساختن انسان توجه کند!

گزینۀ «۳»: مردم بیشتر احساس مسئولیت می‌کنند، اگر جایگاه معلم در (میان) آن‌ها بالا برده شود!

گزینۀ «۴»: سربازان مغول توانستند از دیوار چین بالا بروند و به آن حمله کنند. [نادرست است؛ در انتهای متن آمده که: «دون أن یصعدوا...»]

(درک مطلب)

۱۰۰- گزینۀ ۲

(قاله مشیرپناهی - هگلان)

[گزینۀ] درست را بر اساس متن مشخص کن:

ترجمه گزینۀها:

گزینۀ «۱»: معلمان باید به فرزندان ملّت خویش پزشکی، مهندسی و ساختن دیوار آموزش دهند! (در متن چنین چیزی نیامده است!)

گزینۀ «۲»: اگر کرامت و عزّت معلمان حفظ نشود، باید منتظر هر نوعی از مشکلات باشیم! (صحیح است.)

گزینۀ «۳»: پادشاهان چینی به تربیت سربازانی پرداختند که کشورشان را بسیار دوست می‌داشتند! (در بند آخر متن، برعکس این مطلب آمده است!)
گزینۀ «۴»: نگهبانان دیوار بزرگ چین با تمام توان از آن در برابر مغولان دفاع کردند! (در بند آخر متن، برعکس این مطلب آمده است!)
(درک مطلب)

۱۰۱- گزینۀ ۴

(قاله مشیرپناهی - هگلان)

[گزینۀ] نادرست را برای جای خالی بر اساس متن مشخص کن: «از وظایف معلم این است که...»

ترجمه گزینۀها:

گزینۀ «۱»: به دانش‌آموزانش بیاموزد که اخلاق مهم‌تر از پول است!

گزینۀ «۲»: جان‌ها و خرده‌هایی را بر اساس اراده و ایمان پرورش دهد!

گزینۀ «۳»: نقش خود را سودمندانه انجام دهد تا کشور در معرض آسیب‌ها قرار نگیرد!

گزینۀ «۴»: به دست وی پزشکان و مهندسان زیادی برای جامعه فارغ‌التحصیل شوند! [نادرست است؛ دقت کنید در متن به این موضوع اشاره نشده که معلم باید پزشکان و مهندسان زیادی را تحویل جامعه بدهد!]

(درک مطلب)

۱۰۲- گزینۀ ۱

(قاله مشیرپناهی - هگلان)

اولاً: مفرد «الصّیّین» می‌شود «الصّینی»، نه «الصّین»، ثانیاً: معرف بأل است، نه اسم غلم!

توجه: اسم‌های غلم اگر در آخر خود «ی» نسبت داشته باشند، دیگر اسم غلم محسوب نمی‌شوند. مثال: البرازیلی، الإیرانیة، مصریة، صینی...

(تعلیل صرفی و اعراب)

۱۰۳- گزینۀ ۲

(قاله مشیرپناهی - هگلان)

«الخُرّاس» بر وزن «فَعَال» نیست تا اسم مبالغه باشد، بلکه بر وزن «فَعَال» است و چون مفرد آن «حارس (نگهبان)» است، لذا اسم فاعل محسوب می‌شود.

تکته مهم درسی:

وزن «فَعَال» را که جمع مکسّر «فَاعِل» است، با وزن «فَعَال» (اسم مبالغه) اشتباه نگیرید!

(تعلیل صرفی و اعراب)

۱۰۴- گزینۀ ۲

(مرتفی کاظم شیروزی)

«یُقَدَّرُ» نباید به صورت مجهول بیاید؛ زیرا کلمه «أنواع» مفعول آن است و فاعل جمله نیز حذف نشده است (صحیح: یُقَدَّرُ) / «المَلایین» جمع مکسّر است و باید مجرور شود (دقت کنید «ین» علامت جمع مذکر سالم نیست ← صحیح: المَلایین).

(فیسط مرکبات)

۱۰۵- گزینه «۱»

(معمود با بربرین - یاسوج)

موارد نادرست:

مورد دوم: عبارت اول به موضوع «گاهی خیر و صلاح خود را به خوبی تشخیص نمی‌دهیم» (چه بسا چیزی را ناپسند می‌دارید در حالی که آن برای شما خوب است) اشاره می‌کند در صورتی که بیت مقابلش این مفهوم را ندارد.

مورد چهارم: عبارت اول به موضوع «جواب بدی را با خوبی بدهید» اشاره می‌کند در صورتی که بیت مقابلش این مفهوم را ندارد.

تشریح سایر موارد:

مورد اول: هر دو عبارت به موضوع «نتیجه اعمال ما به خودمان بر می‌گردد» اشاره می‌کنند.

مورد سوم: هر دو عبارت به موضوع «نتیجه بدی به خود شخص باز می‌گردد» اشاره می‌کنند، به عبارتی هر کس بخواهد با کسی دشمنی کند، خودش نیز ضرر می‌کند.

(مفهوم)

۱۰۶- گزینه «۳»

(قاله مشیرپناهی - هکلان)

در این گزینه، «من» ادات شرط، «أصلح» فعل شرط و جمله «جزاءه الجنة» که بر سر آن حرف «ف» آمده، جواب شرط است که یک جمله اسمیه است و «جزاء» مبتدا و «جنة» خبر آن است. ترجمه: «هرکس میان خود و پروردگارش را اصلاح کند، پاداشش بهشت پر نعمت است.»

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در این عبارت «من» ادات شرط، «استمع» فعل شرط و فعل ماضی «فهم» جواب شرط است که شاید آن را با «ف + هم» اشتباه گرفته‌اید! ترجمه: «هرکس به سخن معلم‌ان خود به دقت گوش دهد، درس را خوب می‌فهمد.»

گزینه «۲»: در این عبارت «من» ادات شرط، «يعمل» فعل شرط و فعل مضارع «تُغفَر» جواب شرط است. ترجمه: «هرکس کارهای خیر و نیک انجام دهد در حالی که باایمان باشد، بدی‌هایش بخشیده می‌شود.» توجه: «و هو مؤمن» جمله حالیه است و جواب شرط نیست، چرا که اگر قرار بود جواب شرط باشد، بر سر «هو» باید حرف «ف» می‌آمد، نه «و»!

گزینه «۴»: در این عبارت ادات شرطی وجود ندارد تا جواب شرط داشته باشیم! «ما» از نوع «نفی» و «ما حاول» فعل ماضی منفی است. ترجمه: «برادر بزرگم قبل از این مسابقه زیاد تلاش نکرد، لذا او در آن شکست خورد.»

(انواع هملاط)

۱۰۷- گزینه «۳»

(علی رسولی)

تکنه مهم درسی:

جواب شرط اگر جمله اسمیه یا فعل امر و نهی باشد، حتماً باید با حرف «ف» شروع شود.

تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «من» ادات شرط، «يستغفر» فعل شرط و «يدخل» جواب شرط است که به درستی رعایت شده و نیازی به آوردن حرف «ف» هم نیست.

گزینه «۲»: «من» ادات شرط، «لا يتفكر» فعل شرط و «يعمل» جواب شرط است و نیازی به آوردن حرف «ف» هم نیست.

گزینه «۳»: دقت کنید اگر قرار بود «هو النبي الأكرم» جواب شرط باشد، در ابتدایش باید حرف «ف» می‌آمد، بنابراین جواب شرط نیست؛ ترجمه: «کسی که برانگیخته شد تا بزرگواری‌های اخلاق را کامل کند (او) پیامبر اکرم بود (است).» («من» موصولی داریم).

گزینه «۴»: «من» ادات شرط، «اجتهد» فعل شرط و «لا يندم» جواب شرط و مضارع منفی است و نیازی به آوردن حرف «ف» هم نیست.

(انواع هملاط)

۱۰۸- گزینه «۳»

(عمار تاج‌بفش)

هرگاه پس از یک اسم معرفه «ال» دار، موصول خاص (الذی، الّتی، الّذین و ...) بیاید، آن اسم معرفه، شبیه اسم‌های نکره (همراه با «ی») ترجمه می‌شود: (المفردات الّتی ... واژگانی که ...)

(قواعد اسم)

۱۰۹- گزینه «۳»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

ترجمه عبارت: «کشاورزی که در مزرعه گندم کار می‌کرد، موضوع را برای ما توضیح داد!»؛ بنابراین «القضیه» مفعول و معرفه است و «فَلأخ» فاعل و نکره است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «حامد» فاعل و معرفه (اسم علم) است.

گزینه «۲»: «الزّمیلات» فاعل و معرفه (با «ال») است.

گزینه «۴»: «الله» فاعل و معرفه (اسم علم) است.

(قواعد اسم)

۱۱۰- گزینه «۲»

(امیر حسین شکوری)

«آن» فقط بر سر فعل مضارع می‌آید و با ماضی نمی‌آید، اما در این گزینه همراه با فعل «ینسوا» آمده که ماضی است. دقت کنید «ی» در فعل «ینس» جزئی از ریشه فعل است و نشانه مضارع نیست. (مضارع این فعل به صورت «ینأس» می‌آید).

(قواعد فعل)

عربی زبان قرآن (۳) - اختیاری

۱۱۱- گزینه «۲»

(امیرحسین شکوری)

«مَنْ»: هر کس (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ»: آن را انجام دهد (رد گزینه ۴) / «يَتَسَع»: گسترده می‌شود، فراخ می‌شود (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۱۲- گزینه «۱»

(سید ممدعلی مرتضوی)

«قَدْ يَغْرَس»: گاهی می‌کارد، شاید بکارد (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «فَسَائِلْ جَدِيدَةٌ»: نهال‌های جدیدی (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «وَهُوَ يَعْلَمُ»: درحالی که می‌داند (رد گزینه ۲) / «لَا تُثْمَرُ إِلَّا بَعْدَ مَوْتِهِ»: فقط بعد از مرگش میوه می‌دهند، میوه نمی‌دهند مگر پس از مرگش (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۱۳- گزینه «۱»

(امیرحسین شکوری)

«يَظُنُّونَ»: گمان می‌کنند (فعل مضارع) (رد گزینه ۴) / «بَعْضُ النَّاسِ»: برخی مردم، بعضی از مردم / «أَنَّ»: که / «التَّجَارِبُ الْعَدِيدَةُ»: تجارب بسیار، تجربه‌های زیاد / «عَلَى مَرِّ الْأَيَّامِ»: در گذر ایام (رد گزینه ۳) / «تَغْنِيهِمْ عَنْ»: آنان را بی‌نیاز می‌سازد (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «الْكَتَبِ»: کتاب‌ها (رد گزینه ۳) / «وَلَكِنَّةً»: ولی این (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «غَيْرُ صَاحِحٍ»: نادرست است.

(ترجمه)

۱۱۴- گزینه «۴»

(الهه مسیح‌نوا)

«أَمَّا الْعَظِيمَةُ»: آرزوهای بزرگت (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «يَسْتَعْرِقُ»: زمان می‌برد، می‌گیرد (رد گزینه ۲) / «أَنْتَ تَتَحَلَّى»: تو آراسته می‌باشی (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «هَذَا الطَّرِيقُ»: این راه (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۱۱۵- گزینه «۴»

(علی رسولی)

«والد» به معنای «پدر» است. ترجمه صحیح عبارت: سپس به سوی پدرش رفت، اما پدر او را نبوسید و پیامبر خدا (ص) ناراحت شد.

(ترجمه)

۱۱۶- گزینه «۱»

(امیرحسین شکوری)

«همه دانش‌آموزان»: جَمِيعُ الطَّلَابِ (رد گزینه ۳) / «حاضر بودند»: كان ... حاضرین (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «سالن بزرگ امتحان»: قاعة الامتحان الكبيرة (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

(ترجمه)

۱۱۷- گزینه «۱»

(سید ممدعلی مرتضوی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «خبر این و مرفوع» نادرست است. «شدید» خبر این است و «التعلق» مضاف‌الیه آن است.

گزینه «۳»: «اسم فاعل» نادرست است.

گزینه «۴»: «من مصدر: مُجَالَسَةٌ» نادرست است. «يُجَلِّسُ» مزید ثلاثی از باب افعال و مصدر «إِجْلَاسٌ» است.

(تعلیل صرفی و اعراب)

۱۱۸- گزینه «۴»

(پیروز وهان - گنبد)

«الشاب» بعد از «الآ» آمده است و قبل از آن هم مستثنی منه نداریم. (دقت کنید «من الریاضیین» چون جار و مجرور است، نمی‌تواند برای آن مستثنی منه باشد). پس معنای «فقط، تنها» (اسلوب حصر) در جمله وجود دارد.

(اسلوب استثناء)

۱۱۹- گزینه «۲»

(پیروز وهان - گنبد)

«الله» مفعول و منصوب است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «شجرة»: فاعل و مرفوع

گزینه «۳»: «الأفلام»: نائب فاعل و مرفوع

گزینه «۴»: «المبحث»: مستثنی و منصوب (نقش دیگری ندارد).

(اسلوب استثناء)

۱۲۰- گزینه «۳»

(سید ممدعلی مرتضوی)

کلمه «المسکین» از «الناس» جدا شده است، پس مستثنی منه «الناس» است. ترجمه عبارت: مردم از بازار کالاهای مختلفی خواهند خرید، مگر فقیر!

(اسلوب استثناء)

تاریخ (۳)

۱۲۱- گزینه «۴»

(زهرا دامیار)

تشریح سایر گزینهها:

گزینه «۱»: دولت انگلستان برای تغییر حکومت ایران، برنامه کودتا را طرح ریزی کرد و اجرای آن به سفارت انگلیس و نیروهای انگلیسی مستقر در ایران واگذار شد.

گزینه «۲»: در پی انجام کودتا در سوم اسفند ۱۲۹۹، رضاخان به عنوان فرمانده ارتش، لقب سردار سپه گرفت.

گزینه «۳»: آبرون سایید، فرمانده نظامی نیروهای انگلیسی در ایران، به جست و جو در میان نیروهای قزاق پرداخت و به کمک سید ضیاءالدین طباطبایی که از سیاستمداران وابسته به انگلستان بود یکی از فرماندهان نظامی به نام رضاخان را برای این منظور مناسب تشخیص داد.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

۱۲۲- گزینه «۳»

(امیر حسین کاروین)

انگلیسی‌ها وقتی از تصمیم احمدشاه برای عزیمت به ایران مطلع شدند، نزد او رفتند و ضمن مبالغه‌گویی در اوضاع آشفته ایران، صلاح او را در این دانستند که مدتی از رفتن به ایران چشم‌پوشی کند تا رضاخان بتواند امنیت لازم را برای حضورش در کشور فراهم آورد.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه ۹۴)

۱۲۳- گزینه «۳»

(نگفور سراسری نوبت ۳ - تیرماه ۱۴۰۲)

بررسی گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: پس از تثبیت موقعیت رضاخان در سمت وزارت جنگ، احمدشاه قاجار و مجلس ناچار شدند که به نخست‌وزیری او رضایت دهند. احمدشاه بلافاصله به اروپا سفر کرد و رضاخان فرصت را برای به دست گرفتن سلطنت غنیمت دانست. او ابتدا برای رسیدن به اهدافش، پیشنهاد کرد به جای حکومت سلطنتی، نظام جمهوری در کشور برقرار شود. (نادرستی گزینه «۱»)

گزینه «۲»: رضاخان در سمت وزارت جنگ از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ ش، با دسیسه‌چینی و حمایت انگلستان، موقعیت خود را تثبیت کرد و سرکوب شورش شیخ خزعل در زمان نخست‌وزیری او بوده است.

گزینه «۴»: در سال ۱۳۰۴ ش، ماده‌واحدی به صورت طرح در مجلس شورای ملی مطرح شد که در آن، خلع قاجار به از سلطنت و سپردن حکومت موقت به رضاخان خواسته شده بود.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه‌های ۹۴ و ۹۵)

۱۲۴- گزینه «۲»

(پواد میربلوکی)

در جنگ جهانی دوم راه‌آهن سراسری شمال به جنوب، به مهم‌ترین عامل ارتباطی نیروهای متفقین مبدل شد.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه ۹۶)

۱۲۵- گزینه «۳»

(پواد میربلوکی)

رضاشاه که تصور می‌کرد مهم‌ترین راه پیشرفت و توسعه کشور تقلید از غرب و اشاعه فرهنگ غربی است، پس از مسافرت به ترکیه و آشنایی با آتاتورک، رئیس‌جمهور آن کشور، به تقلید از او به مبارزه با همه سنت‌های اسلامی پرداخت.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه ۹۷)

تاریخ (۳) - اختیاری

۱۲۶- گزینه «۳»

(میلاد هوشیار)

بی‌نتیجه ماندن قرارداد ۱۹۱۹ این نکته را به انگلیسی‌ها یادآور شد که آگاهی مردم به خصوص بعد از ماجرای مشروطه بالا رفته و آن‌ها نمی‌توانند مانند هندوستان، ایران را به خاک بریتانیا اضافه کنند.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه ۹۲)

۱۲۷- گزینه «۲»

(میلاد هوشیار)

آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری، سوءاستفاده از نام آزادی و مشروطه را وسیله‌ای برای افزایش نفوذ غرب و غرب‌گرایان سکولار در اداره کشور می‌دانست.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه ۹۴)

۱۲۸- گزینه «۲»

(میلاد باغ‌شینی)

رضاشاه دستور داد تا مسیر راه‌آهن سراسری را در جهت شمال به جنوب احداث نمایند. مسیر شرقی غربی راه‌آهن می‌توانست دسترسی زمینی به هندوستان را برای دشمنان انگلستان تسهیل کند و این با منافع انگلستان در شرق در تضاد بود. در صورتی که احداث مسیر شمال جنوب، دسترسی انگلستان به منابع نفتی در مناطق شمال ایران و انتقال آن به خلیج فارس (برای حمل به اروپا) را آسان می‌نمود.

(تاریخ (۳)، ایران در دوره حکومت رضاشاه، صفحه ۹۶)

۱۲۹- گزینه «۴»

(کنکور قارج از کشور ۱۴۰۱)

خروج ژاپن، آلمان، ایتالیا و نیز اخراج شوروی از جامعه ملل، موجب بی‌اعتباری بیشتر این نهاد بین‌المللی شد.

نتیجه: کشورهای ژاپن، آلمان و ایتالیا، به اختیار خود از جامعه ملل خارج شدند.

(تاریخ (۳)، بنگ جهانی ۴۰ و جهان پس از آن، صفحه ۹۹)

۱۳۰- گزینه «۳»

(کنکور سراسری نوبت اول - دی ماه ۱۴۰۱)

پس از پایان جنگ جهانی اول، حکومت‌های خودکامه تک‌حزبی و نظامی به دنبال تسلط بر کشورهای دیگر و گسترش مرزهای خود بودند:

حکومت استالین در عرصه خارجی به دنبال گسترش مرزها و تسلط بر برخی کشورها و سرزمین‌های اروپای شرقی بود.

موسولینی احیای دوباره امپراتوری روم باستان و تسلط بر دریای مدیترانه و شمال آفریقا را در سر می‌پروراند.

هیترلر عقیده داشت که آلمان برای به دست آوردن فضای حیاتی، باید سرزمین‌هایی در اروپا فتح کند.

(تاریخ (۳)، بنگ جهانی ۴۰ و جهان پس از آن، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۳)

تاریخ (۱)

۱۳۱- گزینه «۳»

(کنکور قارج از کشور نوبت دوم - تیرماه ۱۴۰۲)

در حدود ۲۴۰۰ ق.م، قوم آکد که در مرکز بین‌النهرین می‌زیست، به فرماندهی سارگن بر کشور- شهرهای سومری مسلط شد. سارگن سپس سرتاسر بین‌النهرین را به فرمان خود درآورد و امپراتوری بزرگی تشکیل داد که از سواحل شرقی دریای مدیترانه تا کوه‌های زاگرس امتداد داشت. این امپراتوری، مردم و اقوامی را که دارای اندیشه، آداب و رسوم، صنعت و هنر گوناگونی بودند، یکپارچه و متحد کرد و موجب تبادل بیشتر فرهنگ و تمدن در بین‌النهرین شد.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۳۷)

۱۳۲- گزینه «۴»

(یوار میربلوکی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: پس از مرگ آمین هوتپ چهارم، کاهنان دوباره پرستش چندخدایی را رایج کردند.

گزینه «۲»: مصریان معتقد بودند که روح پس از مرگ مدتی سرگردان می‌ماند و سپس به جسم انسان باز می‌گردد.

گزینه «۳»: حضرت یوسف (ع) و حضرت موسی (ع)، به احتمال زیاد در دوران امپراتوری جدید، مردم مصر را به پرستش خدای یگانه دعوت کردند.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه‌های ۳۹ و ۴۰)

۱۳۳- گزینه «۴»

(امیر حسین کاروین)

ساکنان تمدن دره سند، شهرهای خود را براساس نقشه‌ای دقیق و معماری تقریباً یکسانی ساخته بودند. آنان خیابان‌ها و معابر اصلی و فرعی را با پهنای معینی طراحی کرده بودند که یکدیگر را قطع می‌کردند. هم‌چنین ساختمان‌ها را با معماری همسان و آجرهایی به اندازه‌های مشخص بنا می‌کردند. در شهرهای موهنجودارو و هاراپا چندین بنای عمومی نیز وجود داشت. این شهرها مجهز به شبکه فاضلاب نیز بودند.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه‌های ۴۲ و ۴۳)

۱۳۴- گزینه «۱»

(کنکور قارج از کشور ۹۸)

یکی از اقدام‌های مهم شی هوانگ تی، از فرمانروایان سلسله «چه این»، تکمیل دیوار بزرگ چین بود. فرمانروایان پیش از او برای جلوگیری از هجوم اقوام صحراگرد، قسمت‌هایی از این دیوار را ساخته بودند.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۴۷)

۱۳۵- گزینه «۴»

(یوار میربلوکی)

در آتن، فقط مردان بالغی که از پدر و مادری آتنی به دنیا آمده بودند و شهروند آنجا محسوب می‌شدند، حق رأی داشتند و می‌توانستند در اداره امور دولت - شهر مشارکت کنند.

(تاریخ (۱)، جهان در عصر باستان، صفحه ۵۴)

تاریخ (۲)

۱۳۶- گزینه «۱»

(کنکور قارج از کشور نوبت دوم - تیرماه ۱۴۰۲)

مورخان و سیره‌نویسان به رقابت و درگیری‌های پیاپی اوس و خزرج در یثرب اشاره کرده‌اند. هم‌چنین سیره‌نویسان، اسامی اشخاصی را که در نتیجه فرمان رسول خدا (ص) با یکدیگر برادر شدند، ثبت کرده‌اند؛ از جمله نوشته‌اند که پیامبر (ص)، علی (ع) را به عنوان برادر خویش برگزید. (موارد الف و ج)

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۳۱ و ۳۵)

۱۳۷- گزینه «۲»

(امیر حسین کاروین)

عثمان بن عفان روش متفاوتی را نسبت به خلفای پیش از خود در پیش گرفت. او حکم‌بن ابی‌العاص را که پیامبر به طائف تبعید کرده بود، به مدینه بازگرداند. او هم‌چنین شماری از افراد خاندان اموی را بر سر کار آورد و دست آنان را در اداره امور خلافت باز گذاشت. برخی از صحابه پیامبر، نسبت به رفتار منصوبان خلیفه انتقاد و اعتراض کردند. خلیفه که تحت تأثیر اطرافیان و مشاوران خود قرار داشت، انتقادکنندگان را تبعید نمود.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۴۵)

۱۳۸- گزینه ۲»

(بوار میربلوکی)

فتوحات مسلمانان در مصر، بیشتر نتیجه مقاومت نکردن مردم سرزمین مصر در برابر سپاه اسلام بود.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۵۱)

۱۳۹- گزینه ۳»

(امیر حسین کاروین)

عرب‌گرایی امویان و تحقیر و تبعیض‌هایی که نسبت به مسلمانان غیرعرب، به خصوص ایرانیان روا می‌داشتند، یکی از عواملی بود که زمینه گرایش آنان را به مخالفان خلافت بنی‌امیه به خصوص اهل بیت پیامبر (ص) فراهم آورد. به همین دلیل، موالی حضوری چشمگیر در قیام‌ها و شورش‌های ضداموی مانند قیام مختار، قیام زید فرزند امام سجاد (ع) و شورش عبد الرحمان بن اشعث داشتند.

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه‌های ۵۷ و ۵۸)

۱۴۰- گزینه ۲»

(بوار میربلوکی)

شیعیان و پیروان حضرت علی (ع) که به علویان معروف بودند، به همراه موالی، مهم‌ترین گروه مخالفان حکومت اموی را تشکیل می‌دادند

(تاریخ (۲)، ظهور اسلام حرکتی تازه در تاریخ بشر، صفحه ۵۹)

جغرافیا (۳)

۱۴۱- گزینه ۴»

(فاطمه سقایی)

مدیریت حمل‌ونقل عبارت است از کلیه فعالیت‌های برنامه‌ریزی و اجرایی با هدف بهینه کردن سامانه‌های حمل‌ونقل.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای حمل‌ونقل، صفحه ۵۹)

۱۴۲- گزینه ۴»

(مهمه ملک‌آبادی زاده - بیربندر)

در احداث مسیرها هر چه میزان انحراف یا پیچ‌وخم‌ها کمتر باشد، احداث راه آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر است. میزان انحراف از مسیر مستقیم را می‌توان محاسبه کرد و درصد آن را به‌دست آورد. به این میزان، «شاخص انحراف» گفته می‌شود. شاخص مطلوب یعنی بدون هیچ‌گونه انحراف، ۱۰۰ در نظر گرفته می‌شود. دو مسیر A و B به طول ۹ و ۷ کیلومتر دو شهر N و M را به هم متصل می‌کند، در حالی که مسیر مستقیم بین این دو شهر ۵ کیلومتر است. بنابراین هر مسیر دارای شاخص انحراف می‌باشد.

$$A \text{ شاخص انحراف مسیر } = \frac{9}{5} \times 100 = 180$$

$$B \text{ شاخص انحراف مسیر } = \frac{7}{5} \times 100 = 140$$

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «شاخص انحراف مسیر B به عدد ۱۰۰ یا شاخص مطلوب نزدیک‌تر است.

گزینه ۲: «در مسیر B از آن جایی که میزان انحراف و پیچ‌وخم کمتر است، احداث راه آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد بود.

گزینه ۳: «نسبت شاخص انحراف مسیر A به شاخص انحراف مسیر B،

$$\frac{9}{7} \text{ می‌باشد.}$$

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای حمل‌ونقل، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۱۴۳- گزینه ۲»

(صفا هاضری)

هر چه مجموع طول مسیرهای پیموده شده، از یک مکان به مکان‌های دیگر کمتر باشد، دسترسی آن مکان به سایر مکان‌ها بهتر است و هر چه تعداد نقاطی که بر سر راه قرار می‌گیرند کمتر باشد، قابلیت دسترسی آن مکان مطلوب‌تر است؛ بنابراین در ماتریس صورت سؤال «شهرک و پشت‌کوه» دسترسی مطلوب‌تری دارند و «کوشک و نصرآباد» دسترسی نامطلوبی دارند.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای حمل‌ونقل، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۱۴۴- گزینه ۳»

(صفا هاضری)

بررسی عبارات نادرست:

«الف»: حمل‌ونقل ریلی به سرمایه‌فراوانی نیاز دارد، اما بازدهی آن در آینده، هزینه سرمایه‌گذاری را جبران می‌کند، مسافر و بار بیشتری حمل می‌شود و ترافیک ندارد.

«ج»: هر چه حجم محموله بیشتر باشد، هزینه حمل آن کمتر می‌شود.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای حمل‌ونقل، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۴)

۱۴۵- گزینه ۴»

(فاطمه سقایی)

حوادث در حمل‌ونقل جاده‌ای بیش از سایر شیوه‌های حمل‌ونقل است.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای حمل‌ونقل، صفحه ۶۴)

جغرافیا (۳) - اختیاری

۱۴۶- گزینه ۴»

(فاطمه سقایی)

$$\frac{100}{1} \times \frac{\text{طول مسیر قابل احداث بین دو مکان}}{\text{طول مسیر مستقیم بین دو مکان}} = \text{شاخص انحراف}$$

$$\text{شاخص انحراف} = \frac{1}{5} \times 100 = 160$$

شاخص ۱۶۰ به این معنا است که کوتاه‌ترین مسیر ممکن برای ساختن راه بین این دو مکان، ۱/۶ برابر مسیر مستقیمی است که آن دو مکان را به یکدیگر مربوط می‌کند.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای حمل‌ونقل، صفحه ۶۰)

۱۴۷- گزینه ۲»

(مهمر ملک آباری زاده - بیربند)

گسترش حمل و نقل عمومی مهم‌ترین راهکار بهبود حمل و نقل شهری است. مطالعات نشان می‌دهد که حمل و نقل چندوجهی هزینه‌های حمل و نقل را به طور مؤثری کاهش می‌دهد.

(بغرافیا (۳)، بغرافیاى حمل و نقل، صفحه‌های ۶۵ و ۶۷)

۱۴۸- گزینه ۳»

(فاطمه سقایی)

در برنامه‌ریزی حمل و نقل، سرعت رسیدن مسافر یا کالا به مقصد و زمانی که برای نقل و انتقال طی می‌شود، اهمیت دارد. برخی کالاها باید به سرعت حمل شوند و به مقصد برسند؛ در حالی که برای برخی دیگر، صرف زمان طولانی مشکلی ایجاد نمی‌کند.

(بغرافیا (۳)، بغرافیاى حمل و نقل، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

۱۴۹- گزینه ۳»

(مهمر ملک آباری زاده - بیربند)

چون شهر مشهد در سمت شرق سه شهر دیگر قرار دارد؛ و ساکنان آن زودتر خورشید را مشاهده می‌کنند بنابراین موقع اذان صبح آن زودتر است.

(بغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های بغرافیاى، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

۱۵۰- گزینه ۲»

(فاطمه سقایی)

مهم‌ترین کاربرد دستگاه‌های گیرنده جی‌پی‌اس (GPS) «تعیین موقعیت جغرافیایی و طول و عرض و ارتفاع مکان‌ها و زمان مورد نظر» است.

(بغرافیا (۳)، فنون و مهارت‌های بغرافیاى، صفحه ۷۷)

جغرافیای ایران

۱۵۱- گزینه ۴»

(صفا هاضری)

محل دقیق هر پدیده یا مکان، با توجه به طول و عرض جغرافیایی، موقعیت مطلق یا ریاضی آن مکان است. عبارت گزینه ۴» در رابطه با عرض جغرافیایی ایران، به موقعیت مطلق اشاره دارد.

سایر گزینه‌ها به موقعیت نسبی ایران اشاره دارند. محل قرارگیری هر مکان، نسبت به پدیده‌های طبیعی یا انسانی پیرامون خود، موقعیت نسبی آن مکان است.

(بغرافیاى ایران، بغرافیاى طبیعى ایران، صفحه‌های ۱۱۴ تا ۱۱۶)

۱۵۲- گزینه ۲»

(مهمر ملک آباری زاده - بیربند)

دریای عمان، به واسطه مجاورت با آب‌های آزاد (اقیانوس هند) و وجود سواحل با قابلیت‌های دفاعی مناسب از نظر اقتصادی و نظامی اهمیت بسیاری برای ایران دارد.

منطقه خلیج فارس ارزش فرهنگی و سیاسی دارد؛ زیرا خلیج فارس در مرکز و قطب ناحیه جغرافیایی و سیاسی جهان اسلام قرار دارد. دریای خزر با تأمین ۹۰٪ از خاویار جهان و دسترسی به بازار مصرف ۳۰۰ میلیون نفری کشورهای آسیای میانه از موقعیت نسبی بالایی برخوردار است.

(بغرافیاى ایران، بغرافیاى طبیعى ایران، صفحه‌های ۱۷ تا ۱۹)

۱۵۳- گزینه ۲»

(کنگور سراسری ۹۹)

از مقایسه نقشه ناهمواری ایران با نقشه پراکندگی جمعیت در ایران متوجه می‌شویم که بین ناهمواری‌ها و تراکم جمعیت، ارتباط نزدیکی هست؛ به گونه‌ای که تعداد سکونتگاه‌ها در مناطق پایکوهی بیشتر، و جمعیت در آن‌ها متراکم‌تر است.

(بغرافیاى ایران، بغرافیاى طبیعى ایران، صفحه ۲۱)

۱۵۴- گزینه ۴»

(رویا نیلپی)

رشته‌کوه زاگرس از برخورد دو صفحه شبه جزیره عربستان و صفحه اوراسیا به وجود آمده است. این رشته‌کوه از مرز ایران در کردستان با جهت شمال غربی - جنوب شرقی را تشکیل داده است. این چین خوردگی‌ها طی میلیون‌ها سال به دلیل فرسایش تغییر شکل یافته است. از فعال‌ترین پدیده‌های این رشته‌کوه می‌توان به گنبد‌های نمکی اشاره کرد.

(بغرافیاى ایران، بغرافیاى طبیعى ایران، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

۱۵۵- گزینه ۳»

(صفا هاضری)

گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» از دلایل اهمیت خلیج فارس هستند که تسلط بر تمام یا هر یک از آن‌ها، موازنه قدرت را در جهان تغییر می‌دهد؛ اما عبارت گزینه ۳» از دلایل اهمیت تنگه هرمز است.

(بغرافیاى ایران، بغرافیاى طبیعى ایران، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

جغرافیا (۲)

۱۵۶- گزینه ۴»

(صفا هاضری)

در ناحیه معتدله حوالی عرض جغرافیایی ۶۰ درجه، بر اثر صعود هوا منطقه فنار کم ایجاد می‌شود. این صعود تحت تأثیر توده هوایی است که از سمت قطب به طرف آن حرکت می‌کند و هوای نسبتاً گرم‌تر را به سمت بالا می‌راند.

(بغرافیا (۲)، نوامی طبیعى، صفحه ۲۶)

۱۵۷- گزینه ۲»

(رویا نیلپی)

بیابان‌ها از نظر دما به دو گروه گرم و سرد تقسیم می‌شوند و بخش قابل توجهی از سطح زمین را فرا گرفته‌اند.

(بغرافیا (۲)، نوامی طبیعى، صفحه‌های ۳۲ و ۳۳)

فلسفه دوازدهم

گزینه ۱» ۱۶۱

(پرگل ریمی)

عقل در این معنا، یکی از ابزارهای شناخت انسان بوده که به کمک آن استدلال می‌کند و به دانش‌ها و حقایق دست می‌یابد؛ با وجود گسترده بودن در عین حال محدودیت‌هایی نیز در شناخت برخی امور دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲» عقل انسان نمی‌تواند به همه حقایق هستی برسد.

گزینه ۳» عقل انسان نیاز به تربیت دائمی دارد تا بالفعل شود.

گزینه ۴» توانمندی‌های عقل در انسان‌های مختلف متفاوت است و ثابت نیست.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۳)

گزینه ۴» ۱۶۲

(قمیر سوربان)

اگر انسان بخواهد سخن درست و حق را از سخن نادرست و باطل تشخیص دهد، کار خوب و زیبا را از کار بد و زشت جدا کند، راه درست را از راه نادرست تمیز دهد، در رشته‌های علمی مانند ریاضیات، فیزیک و فلسفه پیش برود، دین و آیین حق را از دین و آیین باطل جدا سازد، دین و آیین خود را به خوبی بشناسد و در زندگی به درستی تصمیم‌گیری کند، در مرتبه اول باید عقل خود را تقویت کند و از آن بهره ببرد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱» توانایی افراد در تعقل و استدلال متفاوت است؛ برخی از انسان‌ها قدرت استدلال قوی‌تری دارند و برخی، قدرت استدلال آن‌ها ضعیف‌تر است. اما همه می‌توانند با تربیت و تمرین به درجات خوبی از عقلانیت دست یابند.

گزینه ۲» تمام استدلال‌های همه علوم با استفاده از عقل است، نه فقط استدلال‌های فلسفه. اما چون در فلسفه از عقل بیشتر استفاده می‌شود، معمولاً فلسفه را با عقل همراه می‌دانند.

گزینه ۳» در ابتدای کودکی، به صورت یک توانایی نیست؛ حتی توانایی بسیار ضعیف. بلکه به صورت یک استعداد است (یعنی توان عقلی در ابتدا وجود ندارد اما زمینه‌ای وجود دارد که انسان بعدها به آن برسد).

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۳)

گزینه ۳» ۱۵۸

(مهمر ملک‌آباری زاره - بیربندر)

رشد بیش از حد درختان جنگل‌های بلوط ← هوازدگی زیستی (تغییر فیزیکی)

وجود انجماد و برودت هوا و در نتیجه تخریب سنگ‌های مرتفع قلّه دنا ← هوازدگی فیزیکی

تکثیر باکتری‌های تجزیه‌کننده در دامنه رشته‌کوه زاگرس ← هوازدگی زیستی (تغییر شیمیایی)

نکته: هوازدگی زیستی شامل دو نوع تغییر: ۱- فیزیکی و ۲- شیمیایی می‌شود و هر تغییر فیزیکی یا شیمیایی ناشی از فعالیت موجودات زنده مربوط به هوازدگی زیستی می‌شود.

(بغرافیا (۲)، نوامی طبیعی، صفحه‌های ۴۱ و ۴۲)

گزینه ۱» ۱۵۹

(کنکور سراسری نوبت اول - دی‌ماه ۱۴۰۱)

برخی از دشت‌ها مانند دشت لوت از دوران‌های زمین‌شناسی بسیار قدیم برجای مانده‌اند، اما در روی آن‌ها ناهمواری‌های جدید بر اثر فرسایش‌های بادی ایجاد شده است.

برجسته‌ترین کلوت‌ها در غرب بیابان لوت در منطقه شهداد در استان کرمان وجود دارد. کلوت یا یاردانگ در رسوبات نرم به‌جا مانده از دریاچه‌های قدیم پدید می‌آید. طی میلیون‌ها سال، باد شیارهایی موازی و U شکل در این رسوبات ایجاد می‌کند. به تدریج بخش نرم را با خود می‌برد و بخش‌های سخت‌تر باقی می‌مانند.

(بغرافیا (۲)، نوامی طبیعی، صفحه ۴۷)

گزینه ۳» ۱۶۰

(صفا هافری)

گزدیو از اشکال فرسایش کاوشی در بیابان است و هنگامی که باد مواد نرمی را که در زیر یا لبه تخته‌سنگ‌ها قرار گرفته‌اند، تخریب می‌کند و با خود می‌برد و بخش‌های سخت و مقاوم را باقی می‌گذارد به وجود می‌آید. طاق از اشکال فرسایشی کاوشی در سواحل است. با فروریختن مواد سست‌تر در زیر بخش محکم‌تر، ستون سنگی برجای می‌ماند و طاق ایجاد می‌شود.

(بغرافیا (۲)، نوامی طبیعی، صفحه‌های ۴۷ تا ۵۰)

۱۶۳- گزینه «۱»

(علیرضا نصیری)

بررسی عبارات صورت سوال:

عبارت «۱»: عالم ماورای طبیعت علاوه بر عالم عقل، شامل عوالم دیگری مانند عالم مثال و برزخ نیز می‌شود و بنابراین این عبارت نادرست می‌باشد.

عبارت «۲»: ماهیت شناخت عقول از جنس شهودی می‌باشد و آنان حقایق اشیا را شهود می‌کنند و این در حالی است که جنس شناخت عقلی از طریق توسل به مفاهیم و استدلال هاست و در نتیجه این عبارت کاملاً درست است.

عبارت «۳»: عقول از نظر حکمای اسلامی مجرد از جسم و ماده و خارج از قید زمان و مکان هستند و بنابراین اگر کسی فرشتگان را مادی بداند، آن‌ها را از دایره عقول متعالی مطرح شده در فلسفه خارج کرده است و بنابراین این گزاره نادرست است.

عبارت «۴»: عقل کل در واقع همان خداست و با عقل فعال متفاوت می‌باشد و در نتیجه این عبارت نیز نادرست خواهد بود.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۴)

۱۶۴- گزینه «۱»

(موسی سپاهی - سروان)

موجودات متعالی و برتر از ماده، از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند، علم آن‌ها شهودی است یعنی حقایق اشیا را شهود می‌کنند و در افعال خود به ابزار مادی نیازی ندارند. این موجودات به صورت بالفعل و ذاتی از ماده مجردند؛ تهذیب نفس مربوط به نفس انسانی است که به این وسیله بتواند به مرحله عقول برسد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۴)

۱۶۵- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

دکارت معتقد بود که عقل می‌تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را با استدلال اثبات کند. البته او دیگر به عقل به‌عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان، آن‌گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان معتقد بودند، عقیده‌ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می‌دانست.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه‌های ۵۴ تا ۵۷)

۱۶۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌های - کنگور قارچ ۱۴۰۱)

هراکلیتوس هم به کاربرد عقل به‌عنوان موجود متعالی و برتر از ماده قائل است و هم به عقل به‌عنوان دستگاه تفکر و استدلال انسان. از نظر او لوگوس عبارت است از یک حقیقت متعالی و یک عقل کل حاکم بر جهان که عقل انسان پرتویی از آن و شناخت‌های انسان ظهور همین حقیقت متعالی و برتر از ماده هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های «۱» و «۴»: لوگوس موجود عقلانی است که عقل انسان در پرتوی آن محقق می‌شود. منظور هراکلیتوس هر دو وجه سخن و موجود متعالی است، لیکن نتیجه اصلی مدنظر است، نه صرفاً تعریف لوگوس.

گزینه «۳»: لوگوس حقیقتی متعالی و موجود است و امری در ذهن انسان نیست. (فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۴)

۱۶۷- گزینه «۳»

(مهمر، رضایی بقا)

فرانسیس بیکن، فیلسوفی تجربه‌گراست. پس تأکید بر توانایی‌های عقل با اندیشه‌های او ارتباطی ندارد (نادرستی گزینه ۲) قبل از بیکن به تجربه تکیه نمی‌شد و متفکران به تبعیت از ارسطو به قیاس و براهین عقلی ارجح بیشتری می‌نهادند. (نادرستی گزینه ۱) بیکن بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر را روش تجربی معرفی می‌کند؛ اما باید دانست که سخن از فطریات و ذاتیات عقلی و نفی آن‌ها مربوط به تجربه‌گرایان متقدم مانند خود بیکن نیست و در تجربه‌گرایان بعدی و متأخر از آن سخن به میان می‌آید، مانند فیلسوفی همچون هیوم. (نادرستی گزینه ۴)

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۷)

۱۶۸- گزینه «۴»

(علیرضا نصیری)

قرون وسطی یا هزاره تاریخ به قرن سوم تا سیزدهم میلادی گفته می‌شود که کلیسا بر اروپا حاکمیت داشته است؛ قرن سوم تا نهم دوره اول، قرن دهم تا سیزدهم دوره دوم نام دارد. مبانی کلیسای کاتولیک، مانند تثلیث و گناه اولیه و... در هر دو دوره غیرعقلانی بوده است و از این حیث تفاوتی میان آن‌ها وجود ندارد. (رد گزینه «۱») در دوره دوم تحت تأثیر آثار ابن‌سینا و ابن‌رشد، متفکران اروپایی دست به عقلانی‌ساختن مبانی اولیه کلیسا زدند ولی از آن‌جا که عقل و عقلانیت با مبانی کلیسا سازگاری نداشت، در نهایت در اواخر دوره دوم، عقل بر ایمان پیروز شد و جای آن را به‌عنوان معیار درستی و نادرستی گزاره‌ها گرفت. (تأیید گزینه «۴») با توجه به این موضوع باید گفت که عصر رنسانس در اواخر دوره دوم می‌باشد (رد گزینه «۳») و آباء کلیسای کاتولیک هرگز از مبانی خود دست برد نداشته‌اند و همین امر ناسازگاری آن‌ها با عقل را رقم زده است. (رد گزینه «۲»)

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۱۶۹- گزینه ۱»

دکارت عقل را در کاربرد دوم آن، یعنی یک موجود برتر از ماده نپذیرفت و به آن اعتقادی نداشت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: فرانسویس بیکن روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می‌دانست.

گزینه ۳: از نظر کنت، عقل صرفاً آن گاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می‌شود، به واقعیت دست می‌یابد و به علم می‌رسد.

گزینه ۴: هیوم تجربه را تنها راه رسیدن به دانش و معرفت دانست و کاملاً از عقل‌گرایان جدا شد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۷)

۱۷۰- گزینه ۳»

اینکه بگوییم عقل هیچ نقشی در پذیرش گزاره‌ها ندارد، مطابق با اندیشه تجربه‌گرایان نیست؛ چرا که اینان به طور کل منکر عقل نبودند بلکه عقل را در حدی که با حس و تجربه همکاری داشته باشد، می‌پذیرند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» مطابق با دیدگاه تجربه‌گرایان است چرا که عقل می‌تواند به قوانین عقلی جهان طبیعت و نیز با همکاری حس در حیطة سامان دادن امور زندگی بپردازد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۷)

فلسفه دوازدهم - اختیاری

۱۷۱- گزینه ۴»

اگر تربیت عقلانی به‌درستی صورت نگیرد، عقل به توانایی‌های لازم نمی‌رسد و نمی‌تواند به خوبی حق را از باطل و درست را از نادرست تشخیص دهد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۳)

۱۷۲- گزینه ۴»

لوگوس نزد هراکلیتوس، همان حقیقت و وجود برتری است که جهان و اشیا ظهور او هستند، همان‌طور که سخن و کلمه بیانگر افکار و اندیشه‌های انسان است و آنچه را که انسان در ذهن دارد، با کلام ظاهر می‌کند و به دیگران می‌رساند. (پس لوگوس نشان‌دهنده حقیقت و قانون واحدی است که در موجودات جهان جاری و عامل وحدت‌بخش آنان است)

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت اول، صفحه ۵۴)

۱۷۳- گزینه ۴»

مخالفت با عقل‌گرایی در تاریخ اسلام به دو شکل عمده بروز پیدا کرده است: ۱- محدود کردن دایره کاربرد عقل (رد گزینه ۲) ۲- مخالفت با فلسفه و منطق به‌عنوان دستاوردهای غیراسلامی (رد گزینه‌های «۱» و «۳»؛ اما هیچ‌کدام از این مخالفت‌ها به‌معنای مخالفت با پیشرفت علم و دانش نبود.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۰ تا ۶۲)

۱۷۴- گزینه ۱»

برای شناخت شهودی نیاز به کنار گذاشتن عقل خود نداریم. بلکه نیاز به تهذیب نفس داریم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: انسان با عقل خود به شناخت عقول و فرشتگان می‌رسد نه با حس و تجربه حسی.

گزینه‌های «۳» و «۴»: آگاهی فرشتگان با استدلال و مفاهیم نیست. بلکه با شهود است و در کارهای خود هم نیازی به ابزار مادی ندارند.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۳ و ۶۶)

۱۷۵- گزینه ۳»

فارابی درباره نسبت عقل فعال با دستگاه ادراکی انسان می‌گوید: «مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان‌طور که آفتاب نوربخشی می‌کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه عقلی آدمی می‌رساند به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می‌شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می‌کند و به ادراک حقایق می‌رسد.»

پس رابطه بین این دو تساوی و یا حتی عموم و خصوص مطلق نیست؛ بلکه عقل فعال واسطه‌ای محسوب می‌شود که عقل انسان به کمک آن به فعالیت رسیده و حقیقت را درک کند.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۶۳)

منطق

۱۷۶- گزینه ۱»

«امروز بعدازظهر به من زنگ بز»؛ جمله‌اشیایی است؛ یعنی خبری از عالم خارج نمی‌دهد، بلکه تمایلات و خواسته‌های ما را مطرح می‌کند.

(منطق، قضیه عملی، صفحه ۵۵)

۱۷۷- گزینه ۲»

(ممر، رضایی بقا)

دقت کنید که قضیه شخصی که موضوع آن مفهومی جزئی است، سور یا کمیت نمی پذیرد. پس در واقع باید قضیه‌ای را پیدا کنید که شخصی باشد. از آن جا که موضوع قضایای گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴»، مفاهیمی کلی هستند، پس قضایایی محصوره می‌باشند و کمیت می‌پذیرند. اما هرگاه موضوع قضیه، ضمیری مفرد باشد (من، تو، او)، قضیه شخصی است. پس قضیه «او نویسنده‌ای توانا است»، سور و کمیت نمی پذیرد. توجه کنید که در قضیه «تو را دانش و دین رهاوند درست»، موضوع قضیه «دانش و دین» است که مفهومی کلی است و «تو» مفعول جمله است، نه نهاد آن.

(منطق، قضیه عملی، صفحه ۵۸)

۱۷۸- گزینه ۴»

(فیروز نژاد نطف - تبریز)

۱- برخی الف ب است (قضیه اصلی و صادق)	۱- هیچ الف ب نیست (قضیه اصلی و کاذب)
۲- برخی ب الف است (عکس ۱ و صادق)	۲- برخی الف ب است (تناقض ۱ و صادق)
۳- هیچ ب الف نیست (تناقض ۲ و کاذب)	۳- برخی ب الف است (عکس ۲ و صادق)
۴- برخی ب الف نیست (تداخل ۳ و نامعلوم؛ چون درتداخل در صورت کذب کلی نمی توان صدق یا کذب جزئی را مشخص کرد.)	۴- هر ب الف است (تداخل ۳ و نامعلوم؛ چون درتداخل نمی توان از صدق جزئی به صدق یا کذب کلی رسید.)

(منطق، احوال قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

۱۷۹- گزینه ۴»

(کتاب آبی پیمان‌های - کنگور، سراسری ۱۴۰۰)

بین A و B تضاد وجود دارد و در تضاد ممکن است هر دو قضیه کاذب باشند (ارتفاع دو طرف امکان پذیر است). بین A و C تناقض وجود دارد. در تناقض حتماً یکی از قضایا صادق و دیگری کاذب است و امکان ندارد هر دوی آن‌ها کاذب باشند. قضیه D متداخل جزئی قضیه A است. از کذب متداخل جزئی می‌توان کذب کلی را نتیجه گرفت.

(منطق، احوال قضایا، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۶)

۱۸۰- گزینه ۱»

(علیرضا نصیری)

متضاد قضیه «هر الف ج است»، قضیه «هیچ الف ج نیست» خواهد بود و نقیض آن، «بعضی الف ج است» و عکس آن نیز «بعضی ج الف است» خواهد بود. سور این قضیه جزئی و نسبت آن موجه است. بنابراین باید در گزینه‌ها به

دنبال گزینه‌ای باشیم که در این مشخصات، مشابه با قضیه مورد نظر باشد؛ یعنی قضیه اول آن جزئی و قضیه دوم آن موجه باشد. قضیه اول گزینه «۱»، اگر به صورت استاندارد در بیاید بدین شکل خواهد بود: «بعضی افراد که سرشان را می‌تراشند، داندۀ قلندری نیستند.» که سورش جزئی است. قضیه دوم همان گزینه نیز از آن جایی که استفهام انکاری است، بدین صورت خواهد بود: «من دیروز هشداردهنده به تو بودم» که قضیه‌ای موجه به حساب می‌آید و بنابراین جواب صحیح این سؤال می‌باشد. صورت استاندارد «نیست آن کس که به دیدار رخت مایل نیست.» چنین است: «کسی که به دیدار رخ تو مایل نباشد، موجود نیست.» و بنابراین قضیه‌ای سالبه خواهد بود.

(منطق، احوال قضایا، ترکیبی)

فلسفه یازدهم

۱۸۱- گزینه ۳»

(ممر آقا صالح)

افلاطون و ارسطو هر دو استدلال کردن را یک کار معتبر عقلی می‌دانند.

رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ارسطو توانایی عقل در شناخت امور ماورای حسی را قبول دارد اما اعتقاد به جهان برتر از طبیعت فقط مربوط به افلاطون است. گزینه‌های «۲» و «۴»: فقط عقیده افلاطون است.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۱۸۲- گزینه ۱»

(فیروز نژاد نطف - تبریز)

رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: سوفسطائیان به سبب مغالطه‌هایی که می‌کردند، اصل شناخت را زیر سؤال می‌بردند. گزینه «۳»: پارمنیدس چون برای شناخت حسی ارزش و اعتباری قائل نبود، منکر حرکت بود.

گزینه «۴»: اندیشمندان قبل از سقراط از اولین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن سخن گفته‌اند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۵۹ تا ۶۱)

۱۸۳- گزینه ۲»

(علیرضا نصیری)

روش فلسفه، همان‌طور که در درس اول کتاب یازدهم بیان شد، عقلی و برهانی و قیاسی است و بدون آن اساساً فلسفه و معرفت فلسفی وجود نخواهد داشت. (تأیید گزینه «۲») البته این بدین معنا نیست که یک دستگاه فلسفی نمی‌تواند بر مواد دینی یا کشف و شهود و اشراق مبتنی

باشد؛ شیخ اشراق بر معرفت شهودی تأکید ویژه‌ای داشت و سعی کرد آن چه را از طریق اشراق به دست آورده بود تبیین استدلالی کند، یعنی در نهایت فلسفه او نیز با آن که بر مبنای شهودهای پیشین بود، اما از برهان و استدلال عقلی خالی نبوده است. (رد گزینۀ «۱»)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ «۳»: ریشه پیوند همه ابزارهای کسب شناخت، به فلاسفه قبلی مانند فارابی و ابن سینا و خواجه نصیر باز می‌گردد. اما ملاصدرا کسی است که در این باره توفیق کامل به دست آورده است.

گزینۀ «۴»: ابن سینا در کتاب اشارات خود به تبیین کامل و مفصل عرفان و شهود می‌پردازد اما این موضوع بدین معنا نیست که از شهود و مفاد عرفانی در فلسفه خود استفاده کند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

۱۸۴- گزینۀ «۲»

(مفرد آقا صالح)

فارابی و ابن سینا نیم‌نگاهی به معرفت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند.

رد سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: نه فارابی و نه ابن سینا، کتابی مستقل درباره عرفان ننگاشته‌اند و کتاب عرفانی ندارند.

گزینۀ «۳»: فارابی و ابن سینا، ارزش و اعتبار شهود و روش کشفی و اشراقی را بیش از روش‌های دیگر حصول شناخت از جمله شناخت عقلی نمی‌دانستند.

گزینۀ «۴»: ابن سینا و فارابی هیچ‌کدام در صدد نفی و برانداختن ارزش معرفت شهودی نبوده‌اند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۱)

۱۸۵- گزینۀ «۴»

(سبا معفرزاده صابری)

ملاصدرا در کتاب اسفار می‌گوید: «عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت نورانی با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه‌ای که قوانین آن مطابق کتاب و سنت نباشد.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینۀ «۱»: دقت کنید که عقل و استدلال پایه اساسی نظام فلسفی ملاصدرا است و شهود و اشراق نقش موید دارند.

گزینۀ «۲»: هرچند معرفت‌شناسی اسلامی در دوران ملاصدرا به تکامل رسید، اما پس از او نیز فلاسفه تکمیل‌کننده راه او بودند.

گزینۀ «۳»: هرچند ملاصدرا این بیان را کامل کرد، اما ریشه سخنان او در گفته‌های فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و سایر فلاسفه نیز دیده می‌شود.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

۱۸۶- گزینۀ «۲»

(مفرد سوریان)

از نظر دکارت که عقل گراست، اینکه درخت انار، در پاییز انار می‌دهد و در بهار نمی‌دهد، یک حقیقت تجربی است ولی اینکه طبیعت همواره یکسان عمل می‌کند و هرگز این رفتار طبیعی تغییر نخواهد کرد، یک حقیقت عقلی محض است. بنابراین بخشی از این گزاره با تجربه (عقل همکاری‌کننده با حس) و بخش دیگر با عقل مستقل از حس (شناخت عقلی) درک می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ «۱»: از نظر بیکن، اولاً دانشمندان گذشته هم از این حقیقت غافل نبودند ولی به چنین گزاره‌هایی کمتر اهمیت می‌دادند؛ ثانیاً این فیلسوفان گذشته بودند که از ارسطو پیروی می‌کردند، نه دانشمندان غیرفیلسوف.

گزینۀ «۳»: لاک تجربه‌گراست و تجربه برایش اصالت دارد. یعنی بدون اینکه لازم بداند اعتبار تجربه بر اساس اصول عقلی محض ثابت شود، معتقد است خود تجربه به عنوان یک اصل اولیه معتبر است و این گزاره را می‌توان بر اساس تجربه برای همیشه پذیرفت.

گزینۀ «۴»: از نظر کانت معلوم نیست واقعیت مطابق این، گزاره باشد ولی قطعاً واقعیت، همه مفاهیم آن را در ذهن ایجاد نکرده است بلکه مفاهیمی مثل علیت و ضرورت که در این گزاره مورد استفاده هستند، به طور فطری و طبیعی در ذهن موجود بوده است.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۵)

۱۸۷- گزینۀ «۳»

(علیرضا نصیری)

به تصریح کتاب درسی آن چه که دکارت را به عنوان یک فیلسوف عقل‌گرا و بنیان‌گذار عقل‌گرایی، از تجربه‌گرایان جدا می‌کند، قبول گزاره‌ها و برخی از قواعد عقلانی است که از طریق تجربه قابل دست‌یابی نیستند و فقط بر عقل و استدلال عقلی متکی می‌باشند. بنابراین نقطه اختلاف عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی در پذیرش غیرتجربی بودن برخی دانسته‌ها و منشأ آن‌ها می‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ «۱»: هیچ یک از این دو گروه بر این موضع نیستند که همه استدلال‌های عقلی صحیح می‌باشند؛ خود دکارت که از بنیان‌گذاران

عقل‌گرایی است، نقدهای بسیاری بر آثار ارسطو وارد می‌کند و حال آن‌که استدلال‌های ارسطو عموماً از جنس استدلال‌های عقلی هستند و این موضوع نشان‌دهنده این است که دکارت - و همینطور عقل‌گرایان! - معتقد به صحت تمامی استدلال‌های عقلی نیستند.

گزینه «۲»: هم تجربه‌گرایان و هم عقل‌گرایان روش ریاضی را برای خود آن علم معتبر می‌دانند و در این مورد اختلافی وجود ندارد؛ اختلاف بر سر این است که عقل‌گرایان معتقد به معتبر بودن روش عقلی ریاضیاتی در حیطه‌های غیر از ریاضی و هندسه می‌باشند اما تجربه‌گرایان چنین باوری ندارند.

گزینه «۴»: این که علوم مختلف بر مبنای تجربه پیشرفت بیشتری خواهند داشت، مورد اختلاف هیچ یک از دو گروه نیست. دکارت نیز خود از دانشمندان علوم تجربی محسوب می‌شود و نقش مؤثری در پیشرفت علم در اروپا داشته است.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۳ و ۶۵)

۱۸۸- گزینه «۲»

(موسی سپاهی - سراوان)

معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن اساساً فلسفه وجود ندارد؛ یعنی نمی‌توان صرفاً با اتکا بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

رد سایر گزینه‌ها:

گزینه‌های «۱» و «۳»: بدون استدلال عقلی فلسفه وجود ندارد و فلسفه متکی بر استدلال عقلی می‌باشد.

گزینه «۴»: معرفت فلسفی با صرف تجربه و معرفت قلبی حاصل نمی‌شود و نیاز به عقل و استدلال عقلی به عنوان پایه آن دارد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۳)

۱۸۹- گزینه «۱»

(مهمبر سوریان)

توجه خاص به تجربه و بی‌مهری به تفکر عقلی که جریان غالب معرفت‌شناسی اروپا شده بود، اشکالات نظری متعددی را پدید آورد. یکی از این اشکالات، محدودیت‌های روش تجربی بود که نمی‌توانست پاسخگوی سؤال‌های مهم انسان باشد. مثلاً تجربه نمی‌توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بد‌های اخلاقی اظهار نظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار نداشت.

همچنین ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان‌ها، می‌توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد. در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع‌نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال روبه‌رو شود و جریان‌های نسبی‌گرا در داخل تجربه‌گرایی ظهور کنند. بنابراین عامل اصلی رشد نسبی‌گرایی این بود که جریان غالب معرفت‌شناسی (تجربه‌گرایی) در تبیین شناخت مطابق با واقعیت (واقع‌نمایی تجربه)، با اشکالاتی مواجه شده بود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: این موارد برخی از اشکالات تجربه‌گرایی هستند که در کنار سایر اشکالات معضل اصلی را که «عدم واقع‌نمایی دانش تجربی» است، تشکیل می‌دهند. پس عامل اصلی این موارد به تنهایی نیستند.

گزینه «۳»: برعکس این مطلب اتفاق افتاد. یعنی نسبی‌گرایی در معرفت‌شناسی به تدریج به سایر حوزه‌ها کشیده شد، نه اینکه نسبی‌گرایی سایر حوزه‌ها به معرفت‌شناسی برسد.

گزینه «۴»: اولاً محدودیت‌ها مربوط به همه روش‌های غیرنسبی‌گرا نبود. بلکه مربوط به روش تجربی بود. ثانیاً این مشکل هم یکی از مشکلاتی بود که در کنار سایر مشکلات، معضل اصلی را تشکیل می‌دهند؛ معضل اصلی همان اشکال عدم واقع‌نمایی دانش تجربی بود.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۶)

۱۹۰- گزینه «۲»

(مهمبر رضایی‌بغا)

کانت برخلاف متفکران پراگماتیسم معتقد به اصالت عمل نیست و ملاک صدق و کذب قضایا، چه در علوم و چه در اخلاق را کاربرد و تأثیر عملی دانسته‌ها نمی‌داند (رد گزینه‌های «۳» و «۴»). همچنین کانت تنها ابزار شناختی انسان را حس و تجربه نمی‌داند (رد گزینه‌ی «۱»). البته این موضوع مورد قبول هردو گروه است که معرفت انسان به انشایی فی‌نفسه و واقعیات بیرونی راه ندارد؛ کانت معتقد است که قوه فاهمه باید مورد کاوش قرار بگیرد و فیلسوف پراگماتیسم بر این است که آثار عملی گزاره‌ها را بررسی کند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه‌های ۶۵ و ۶۷)

اقتصاد

۱۹۱- گزینه «۱»

(سارا شریفی)

الف) وقتی یک اقتصاد «منابع غیرفعال دارد»، هیچ احتیاجی به انتقال منابع از تولید یک کالا به تولید کالای دیگری نیست.

ب) با کاهش تولید و پدید آمدن رکود، اقتصاد دارای منابع بیکار می‌شود که وجود این منابع سبب می‌شود که کشور در «زیر» مرز امکانات تولید قرار گیرد.

ج) با وجود رکود در جامعه، اشتغال «کاهش» و بیکاری «افزایش» می‌یابد.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۴ و ۸۵)

۱۹۲- گزینه «۳»

(سارا شریفی)

(الف)

$$\text{جمعیت کل} = \frac{۱۵}{۱۰۰} \times \text{جمعیت پایین‌تر از ۱۵ سال}$$

$$= \frac{۱۵}{۱۰۰} \times ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱,۵۰۰,۰۰۰ \text{ نفر}$$

$$\text{جمعیت زیر ۱۵ سال} - \text{جمعیت کل} = \text{جمعیت بالای ۱۵ سال}$$

$$\text{نفر} = ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ - ۱,۵۰۰,۰۰۰ = ۸,۵۰۰,۰۰۰$$

$$\text{جمعیت بالای ۱۵ سال} \times \frac{۳۰}{۱۰۰} = \text{جمعیت غیرفعال}$$

$$\text{نفر} = \frac{۳۰}{۱۰۰} \times ۸,۵۰۰,۰۰۰ = ۲,۵۵۰,۰۰۰$$

$$\text{جمعیت غیرفعال} - \text{جمعیت ۱۵ سال و بالاتر} = \text{جمعیت فعال}$$

$$\text{نفر} = ۸,۵۰۰,۰۰۰ - ۲,۵۵۰,۰۰۰ = ۵,۹۵۰,۰۰۰$$

$$\frac{\text{جمعیت بیکار ۱۵ ساله و بیشتر}}{\text{جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیشتر}} \times ۱۰۰ = \text{نرخ بیکاری}$$

$$\text{درصد} = \frac{۵۹۵,۰۰۰}{۵,۹۵۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ = ۱۰$$

ب) بیکاری اصطلاحاً: این نوع بیکاری شامل کسانی می‌شود که شغل قبلی خود را به دلایلی رها کرده و به امید یافتن شغلی بهتر در جست‌وجو هستند. همچنین شامل کسانی است که به تازگی در حال ورود به بازار کار هستند. این نوع بیکاری کوتاه‌مدت است و در همه کشورهای وجود دارد.

$$\text{جمعیت بیکار} - \text{جمعیت فعال} = \text{جمعیت شاغل}$$

$$\text{نفر} = ۵,۹۵۰,۰۰۰ - ۵۹۵,۰۰۰ = ۵,۳۵۵,۰۰۰$$

یک درصد از جمعیت شاغلین به امید پیدا کردن شغل بهتر، کار خود را ترک کرده‌اند، در نتیجه ۹۹ درصد آن‌ها همچنان شاغل هستند و خواهیم داشت:

$$\text{نفر} = \frac{۹۹}{۱۰۰} \times ۵,۳۵۵,۰۰۰ = ۵,۳۰۱,۴۵۰$$

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۵ تا ۸۷)

۱۹۳- گزینه «۴»

(مهروی کاردران)

تعریف	نوع بیکاری
این نوع بیکاری شامل کسانی می‌شود که شغل قبلی خود را به دلایلی رها کرده و به امید یافتن شغلی بهتر در جست‌وجو هستند. همچنین شامل کسانی است که به تازگی در حال ورود به بازار کار هستند. این نوع بیکاری کوتاه‌مدت است و در همه کشورهای وجود دارد.	بیکاری اصطلاحاً
زمانی اتفاق می‌افتد که کارگران به دلیل تغییرات فصلی شغل خود را از دست می‌دهند. مانند برخی کارگران ساختمانی و کشاورزان در فصل زمستان	بیکاری فصلی
بیکاری‌ای که ناشی از عدم تطبیق بین افراد جویای کار و انواع شغل‌های موجود به دلایلی از جمله عدم تطابق مهارت‌هاست. مثلاً نیروی کار ساده در اقتصاد وجود دارد؛ ولی نیروی کار متخصص مورد نیاز است.	بیکاری ساختاری
بیکاری‌ای که هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد. در دوره رکود، تولید کاهش می‌یابد و به همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار می‌کنند.	بیکاری دوره‌ای

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه ۸۷)

۱۹۴- گزینه «۱»

(آفرین ساہری)

الف) عرضه‌کنندگان نیروی کار: همان کارگرانی هستند که با نیروی بدنی و یا فکری خود، محصول یا خدمتی را تولید می‌کنند و حاضرند کار خود را در اختیار تقاضاکنندگان کار قرار دهند.

تقاضاکنندگان نیروی کار: صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌ها یا سرمایه‌گذارانی هستند که نیروی کار را استخدام می‌کنند. (گاهی در اقتصاد به تقاضاکنندگان نیروی کار، کارفرما هم می‌گویند.)

- در سطوح دستمزد بالاتر از دستمزد تعادلی بازار دارای مازاد عرضه است. تعداد زیادی از افراد حاضر به کار در این سطح دستمزد هستند ولی کارفرمایان تمایلی به استخدام این تعداد از افراد با این سطح دستمزد ندارند.

(مهری کاردران)

۱۹۶- گزینه «۳»

در هنگام خرید و فروش هر کالایی، پول پرداخت می‌شود. افراد در مبادلات پول را می‌پذیرند، زیرا می‌دانند دیگران نیز هنگام فروش کالا یا خدمات خود، آن را خواهند پذیرفت. نقش اصلی پول در مبادلات = آسان‌سازی مبادله	۱) وسیله پرداخت در مبادلات:
می‌توان ارزش کالاها را مشخص کرد و سپس ارزش نسبی آن‌ها را با هم سنجید. عملاً پول، کار خرید و فروش کالاهای مختلف و تبدیل قیمت‌ها را به یکدیگر آسان می‌کند. هر کشور دارای واحد ارزش خاص خود است، مانند یورو در اتحادیه اروپا، دلار در آمریکا و ریال (تومان) در ایران	۲) وسیله سنجش ارزش:
علاوه بر مخارج روزمره، برخی مخارج غیرقابل پیش‌بینی وجود دارد. افراد پول‌هایی را که نزد خود پس‌انداز کرده‌اند، به‌عنوان وسیله حفظ ارزش در زمان لازم مورد استفاده قرار می‌دهند. (فرد باید همواره مقداری پول را برای رفع نیازهای آینده خود نگهداری کند.) هم‌چنین برخی اوقات افراد تمایل دارند بخشی از ثروت و دارایی خود را به شکل پول نگه دارند.	۳) وسیله پس‌انداز و حفظ ارزش:
در صورتی که پول بتواند حفظ ارزش کند ← می‌تواند وسیله مناسبی برای پرداخت‌های آینده نیز باشد. اکثر معاملات تجاری در مقابل پرداخت‌های آینده صورت می‌گیرد. همانند: خریدهای اقساطی و رد و بدل کردن حواله‌های بانکی	۴) وسیله پرداخت‌های آینده:

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۹۸)

(آفرین ساپری)

۱۹۷- گزینه «۱»

حساب‌های پس‌انداز بلندمدت + حساب‌های پس‌انداز کوتاه‌مدت = شبه پول
 واحد پولی = ۲۷,۰۰۰ = شبه پول ⇒
 $۲۷ \times ۲ = ۵۴$ شبه پول = حجم پول ⇒ حجم پول = $\frac{۱}{۲}$ شبه پول
 واحد پولی = ۵۴,۰۰۰ = $۲ \times ۲۷,۰۰۰$ = حجم پول
 سپرده‌های دیداری + چک پول + اسکناس و مسکوکات = حجم پول

ب) همان‌طور که در بازار کالا، مقدار عرضه و یا تقاضای یک کالا با قیمت آن ارتباط می‌یابد، در بازار کار نیز قیمت نیروی کار که نام آن دستمزد است، با میزان تقاضا یا عرضه نیروی کار ارتباط دارد.

ج) رابطه میزان تقاضای نیروی کار با سطح دستمزد، معکوس است. یعنی هر چه دستمزد افزایش یابد، تمایل کارفرمایان برای استخدام کمتر می‌شود.

د) در سطح دستمزد ۳ میلیون تومان، بازار به تعادل می‌رسد و تمامی ۲۰ نفر متقاضی کار به استخدام در می‌آیند. یعنی دستمزد درخواستی نیروی کار برای اشتغال با دستمزد پرداختی از سوی کارفرما برابر است.

در سطوح دستمزد پایین‌تر از دستمزد تعادلی (۲ میلیون تومان) بازار با مازاد تقاضا روبه‌رو است. در این سطح از دستمزد به دلیل پایین بودن آن، مؤسسات و بنگاه‌ها تمایل زیادی به استخدام نیروی کار دارند ولی نیروی کار حاضر به استخدام با این سطح از دستمزد نیست، در نتیجه کارفرمایان مجبور می‌شوند سطح دستمزد را افزایش دهند، در این حالت تمایل افراد برای استخدام نیز افزایش می‌یابد و دستمزد تا رسیدن به سطح دستمزد تعادلی افزایش می‌یابد. در نتیجه در سطح دستمزد ۲ میلیون تومان، دستمزد باید یک میلیون تومان افزایش یابد تا به سطح دستمزد تعادلی ۳ میلیون تومان برسیم.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۶ و ۸۷)

۱۹۵- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

الف) نادرست است. در فقر نسبی، تعریف فقر نسبت به وضعیتی که در آن هستیم محاسبه می‌شود و در نتیجه معیار فقر در مناطق و زمان‌های مختلف متفاوت است.

ب) نادرست است. با توجه به تعریف فقر نسبی، محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار سخت، پیچیده و شاید ناممکن است. در نتیجه مفهوم فقر مطلق به کار گرفته می‌شود.

ج) نادرست است. در شاخص فقر مطلق، ارزش دلار از طریق روش برابری قدرت خرید محاسبه می‌شود.

د) صحیح است.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه ۸۹)



۴- در کشور ما: نوسانات نرخ ارز هم می‌تواند اثر منفی بر ارزش پول ملی ما بگذارد و باعث کاهش قدرت خرید پول ملی و در نتیجه منجر به تورم شود.
 ب) هر چند تورم در کل، برای اقتصاد کشور زیان‌بار است، اما برای برخی نیز سودرسان است. برای مثال خریدار یک واحد ساختمانی که آن واحد را یک سال پیش از اتمام و تحویل، خریداری کرده است و بعد از تحویل، به‌خاطر تورم، افزایش در قیمت ساختمان روی داده است، یا فردی که به سپرده‌گذاری در سپرده‌های بلندمدت بانک می‌پردازد و نرخ سود دریافتی در بانک بیشتر از نرخ تورم در جامعه است.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه‌های ۱۰۲ تا ۱۰۴)

۲۰۰- گزینه «۲» (کتاب آبی پیمان‌های - قارچ از کشور ۹۷)

$$100 \times \frac{\text{سطح قیمت قبلی} - \text{سطح قیمت جدید}}{\text{سطح قیمت قبلی}} = \text{تورم}$$

$$B = 100 \times \frac{462,500 - 370,000}{370,000} = \text{تورم کالای B}$$

$$\text{درصد} = 0/25 \times 100 = 25$$

$$\text{درصد} = 25 = \text{تورم کالای C} = \text{تورم کالای A} = \text{تورم کالای B}$$

$$A \text{ کالای} \Rightarrow 0/25 = \frac{96,000 - x}{x} \Rightarrow 0/25 x = 96,000 - x$$

$$\Rightarrow 1/25 x = 96,000 \Rightarrow x = \frac{96,000}{1/25} = 2,400,000$$

$$C \text{ کالای} \Rightarrow 0/25 = \frac{y - 290,500}{290,500} \Rightarrow 72,625 = y - 290,500$$

$$\Rightarrow y = 363,125$$

راه‌حل ساده‌تر:

نرخ تورم برابر با ۲۵ درصد است که به‌صورت اعشار می‌شود: ۰/۲۵ و سپس

با یک جمع می‌کنیم و برابر می‌شود با: ۱/۲۵

حال دو حالت پیش می‌آید:

حالت اول:

قیمت سال جدید را داریم و باید قیمت سال قبل را به‌دست بیاوریم. در این حالت باید قیمت سال جدید را بر عدد به‌دست آمده (۱/۲۵) تقسیم کنیم:

$$\frac{96,000}{1/25} = 2,400,000$$

حالت دوم:

قیمت سال قبل را داریم و باید قیمت سال جدید را به‌دست بیاوریم. در این

حالت باید قیمت سال قبل را در عدد به‌دست آمده (۱/۲۵) ضرب کنیم:

$$1/25 \times 290,500 = 363,125$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۱۰۱)

$$\Rightarrow 54,000 = 29,000 + \text{سپرده‌های دیداری}$$

$$\Rightarrow \text{واحد پولی} = 25,000 = 54,000 - 29,000 = \text{سپرده‌های دیداری}$$

شبه پول + حجم پول = میزان نقدینگی

$$= 54,000 + 27,000 = 81,000 \text{ واحد پولی}$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۹۸)

۱۹۸- گزینه «۲»

(مبیین فیزیکی)

سیاست‌هایی که دولت از طریق بانک مرکزی برای مدیریت حجم نقدینگی و حفظ ارزش پول اعمال می‌کند، سیاست‌های پولی است. سیاست‌های پولی معمولاً به دو شکل انجام می‌شود:

۱- کاهش نقدینگی در گردش

۲- افزایش نقدینگی در گردش

سیاست اول به سیاست پولی انقباضی مشهور است و سیاست دوم را سیاست پولی انبساطی می‌گویند. زمانی که اقتصاد کشور گرفتار تورم می‌شود، برای پیشگیری از افزایش قیمت‌ها یا کاهش سرعت آن، بانک مرکزی سیاست کاهش نقدینگی یا همان کاهش حجم پول در گردش را به‌کار می‌گیرد. در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد، معمولاً سیاست‌های انبساطی اعمال می‌شود.

یکی از روش‌هایی که بانک مرکزی کشورها برای کنترل تورم و تنظیم نقدینگی در گردش به‌کار می‌گیرند، سیاست بازار باز (فروش یا خرید اوراق مشارکت) است. در این روش بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت به‌طور مستقیم از مقدار نقدینگی در دست مردم بکاهد یا با خرید اوراق مشارکت، نقدینگی بیشتری به جامعه تزریق کند.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت خرید، صفحه ۱۰۲)

۱۹۹- گزینه «۱»

(مهری ضیائی)

الف) دلایل به وجود آمدن تورم در جامعه:

۱- نابرابری عرضه و تقاضای کل در اقتصاد (فزونی تقاضا بر عرضه)

۲- یکی دیگر از دلایل وجود تورم در جامعه: هماهنگ نبودن افزایش نقدینگی در کشور با افزایش تولید

۳- در کشور ما: افزایش درآمدهای نفتی (اگرچه گاهی به افزایش ظرفیت‌های تولیدی کمک کرده است)، باعث رشد درآمدهای اقتصادی و رشد حجم نقدینگی شده است که تورم‌زا است.